

پرسش ها و پاسخ های دانشجویی

مهدویت (دوران ظهور)

■ دفتر بیست و هشتم

■ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری
در دانشگاه ها
پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
اداره مشاوره و پاسخ



مراکز پخش:

مدیریت پخش دفتر نشر معارف قم، خیابان شهید، کوچه ۲۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۰۴ پاتوق کتاب قم (شعبه اول) خیابان شهید، روبه‌روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۳۷۷۳۵۴۵۱ پاتوق کتاب قم (شعبه دوم) ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تلفن: ۳۲۹۰۴۴۴۰ پاتوق کتاب تهران خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۹۱۱۲۱۲ پاتوق کتاب شیراز خیابان شهیدفقیهی (صورتگر)، نبش خیابان معدل، تلفن: ۷۱۳۳۳۴۶۱۴ پاتوق کتاب مشهد چهارراه شهید، خیابان آیت‌الله بهجت، نبش کوچه هفتم، تلفن: ۵۱۳۳۲۲۰۱۱۹ پاتوق کتاب کرمانشاه باغ ابریشم، روبروی مجتمع ایثار، درب ورودی دانشگاه‌های، تلفن: ۸۳۳۷۲۳۸۴۱۱ پاتوق کتاب کرمان خیابان شهیدمطهری، بین کوچه ۵۴ و ۵۶، تلفن: ۳۴۳۳۳۳۱۴۶۶ پاتوق کتاب رشت خیابان امام خمینی، روبروی بانک رفاه، تلفن ۰۱۳۳۳۳۰۶۹۷ پاتوق کتاب کرج چهارراه طالقانی، به سمت میدان سپاه، بعد از زیرگذر، جنب هلال احمر، ساختمان دی، طبقه زیرزمین، تلفن ۰۲۶۳۴۴۸۶۲۵۷ پاتوق کتاب شهرکرد خیابان ولی عصر^(ع)، بالاتر از سه راه سینما، تلفن ۰۲۸۳۲۲۴۳۲۲۲ پاتوق کتاب قزوین چهارراه بنیاد شهید، روبروی بانک سپه و بانک مهر اقتصاد، تلفن ۰۲۸۳۳۳۶۲۸۰۶ پاتوق کتاب ساری میدان شهید، خیابان ۱۸ادی، روبروی مسجد امام حسین^(ع)، تلفن ۰۱۱۳۳۲۵۳۰۲۰ پاتوق کتاب ارومیه تقاطع خیابان رسالت و دستغیب، نبش چهارراه مافی، تلفن ۰۴۴۳۳۲۵۴۵۲۲ پاتوق کتاب اراک خیابان امام خمینی^(ع)، خیابان میزای شیرازی (مسجد سیدها)، ساختمان حوزه علمیه خواهران، تلفن ۰۸۶۳۳۲۲۹۰۳۸ پاتوق کتاب اصفهان چهارراه تختی، خیابان مسجد سید، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۳۱۳۳۳۷۱۶۹۲ پاتوق کتاب بیرجند خیابان شهید، نبش شهیدی ۵، ساختمان آذر، تلفن ۰۵۶۳۳۳۲۲۴۱۷۹ پاتوق کتاب ایلام خیابان آیت‌الله حیدری، روبروی مسکن و شهرسازی استان، تلفن ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۸ پاتوق کتاب گرگان مقابل پارک شهر، کوچه بوعلی، تلفن ۰۱۷۳۳۳۳۷۸۰ پاتوق کتاب اهواز خیابان نادری، خیابان شهید سراج، ساختمان یاس، طبقه همکف، تلفن ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۴ پاتوق کتاب بندرعباس خیابان دانشگاه، جنب مؤسسه اعتباری عسکریه، پاساژ کاتوس، تلفن ۰۷۶۳۴۱۷۵۵۷ پاتوق کتاب خرم آباد خیابان شهید مطهری، سه راه اول، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۷۴ پاتوق کتاب یاسوج بالاتر از خیابان سینما، جنب فروشگاه کفش ملی، ابتدای کوچه پزشک، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۵ پاتوق کتاب زنجان خیابان امام، جنب امامزاده سیدابراهیم^(ع)، تلفن: ۰۲۴۳۳۳۶۴۲۵ و ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۲ پاتوق کتاب بخیرود خیابان میزراضی کرمانی (بسج)، روبروی دبیرستان شهید رجایی، پلاک ۱۹۵، تلفن: ۰۵۸۳۳۲۱۲۲۸۳ و ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۴

پایگاه اینترنتی ketabroom.ir نشانی اینترنتی info@ketabroom.ir

@MaarefBook



سرشناسه: کارگر، رحیم، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: مهدویت (دوران ظهور) /
رحیم کارگر؛ تنظیم و نظارت: نهاد نمایندگی مقام
معظم رهبری در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه فرهنگ
و معارف اسلامی - اداره مشاوره و پاسخ.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم
رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: (۲ ج) ۱۲۰ ص.

فروست: پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی: دفتر
بیست و هشتم؛ (کلام و دین پژوهی: ۱۱)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۱۱۹-۱

یادداشت: کتابنامه ص [۱۱۸]-۱۲۰؛ همچنین به
صورت زیرنویس.

موضوع: دوران ظهور.

موضوع: مهدویت - پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛
مهدویت - انتظار؛ محمدبن حسن، امام
دوازدهم، ۲۵۵ق؛؛ آخرالزمان.

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری
در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه فرهنگ و معارف
اسلامی - اداره مشاوره و پاسخ.

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری
در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

رده‌بندی کنگره: ۹۳۸۷-م ۹/۴/۲۲۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۷۸۸۹۸

پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی
دفتر بیست و هشتم
مهدویت (دوران ظهور)
نشر معارف



نشر معارف

تنظیم و نظارت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
(پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی - اداره مشاوره و پاسخ)

تدوین و تألیف: رحیم کارگر

ناشر: دفتر نشر معارف

تایپ و صفحه آرایی: طالب بخشایش

نوبت چاپ: چهاردهم، بهار ۱۴۰۰

تیراژ: ۷۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۱۱۹-۱

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

«همه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴

پایگاه اینترنتی: www.Porsemani.ir _ www.Porseman.org _ www.Ketabroom.ir

نشانی الکترونیکی: info@Porseman.org _ info@Ketabroom.ir

دوران آخرالزمان

۱۵ دین داری آخرالزمان

پرسش ۱. در روایت است که دین داری در آخرالزمان، مثل گرفتن آتش در دست است، چرا دین داری در این زمان، سخت تر از زمان های دیگر است؟ اصولاً در عصر نزدیک به ظهور، مردم از دین فاصله می گیرند یا این که به طرف دین بیشتر می آیند؟

۱۹ فساد آخرالزمان

پرسش ۲. آیا درست است که در آخرالزمان به طور کلی جهان به فساد کشیده شده و ظلم و تباهی همه جا را فرا خواهد گرفت و در آن حال، امام عصر ظهور خواهند کرد؟ در این صورت این سؤال مطرح می شود که اگر سرانجام و به طور طبیعی چنین فساد و طغیانی، جهان را فرا خواهد گرفت، پس چرا باید به سمت اصلاح خود و جامعه حرکت کنیم؟

۲۳ علایم و نشانه های ظهور

پرسش ۳. منظور از نشانه های ظهور چیست؟

۲۷ هنگامه ظهور

پرسش ۴. اینکه بعضی از علایم ظهور به وقوع پیوسته، آیا نمی تواند نشانه ای از نزدیک بودن قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد؟

۳۰ دجال و سفیانی

پرسش ۵. دجال و سفیانی کیستند و چرا خروج آنها از علایم حتمی ظهور شمرده شده است؟ آیا آنان واقعاً به جنگ با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف خواهند پرداخت؟

۳۵ انتقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

پرسش ۶. امام زمان را دوست دارم؛ ولی از آنجایی که می دانم در صورت ظهور، ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسان های بد را به سزای اعمال شان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم، می ترسم جزء آن انسان ها باشم! به همین دلیل از ایشان می ترسم؟!

۳۷ شرایط ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پرسش ۷. می‌گویند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی ظهور می‌کند که شرایط آن فراهم شود؛ با توجه به وضعیت فعلی جهان آیا می‌توان گفت ظهور نزدیک است و نیز شرایط فراهم است؟

۴۱ آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پرسش ۸. به نظر شما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمدنی است یا آوردنی؟

۴۴ زنان و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پرسش ۹. چرا بیشتر یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرد هستند و تنها عده محدودی زن در بین آنان حضور دارند؟ این عده کم، چه کاری می‌توانند انجام دهند؟!

۴۶ ویژگی یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پرسش ۱۰. آیا یاران اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تاریخ‌اند و از میان این همه انسان‌های صالح و اولیای الهی انتخاب آنان چگونه صورت می‌گیرد، یعنی آنها دارای چه ویژگی‌های می‌باشند که به این مقام برگزیده شده‌اند؟!

دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵۳ رشد عقلی در عصر ظهور

پرسش ۱۱. اینکه در حدیث می‌فرماید: «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را کامل می‌کند» یعنی چه؟ منظور از دست گذاشتن بر سر بندگان خدا به چه معناست؟

۵۷ امکان رشد در عصر ظهور

پرسش ۱۲. تعالی و کمال انسان از شاهراه سختی‌ها، بلایا، فقر، نعمت و محیط فاسد می‌گذرد حال آن که در حکومت حضرت از این مسائل نشانه‌ای نیست؟

۵۹ عدالت در عصر ظهور

پرسش ۱۳. عدالت در عصر ظهور چگونه و با چه ابعادی محقق می‌شود و چرا عدالت موعود در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در عصر اسلام برقرار نشد؟

۶۴ دین جدید در عصر ظهور

پرسش ۱۴. آیا درست است که با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دین جدیدی آورده می‌شود؟!

۶۸ پیروان ادیان در عصر ظهور

پرسش ۱۵. آیا وقتی که امام زمان ظهور می‌کنند، تمام مردم مسلمان می‌شوند یا این که کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهد داشت؟

۷۵ حکومت جهانی در عصر ظهور

پرسش ۱۶. چگونه امام مهدی بر دولت‌ها پیروز می‌شود و این تعداد جمعیت جهان تسلیم او می‌شوند؟ آیا چنین چیزی امکان دارد که بر چندین میلیارد انسان، تسلط یابد و در برابر این همه دشمن پیروز از میدان به درآید؟

امکان ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم

۸۳ ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم

پرسش ۱۷. آیا ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم برای انسان‌های عادی هم امکان‌پذیر است یا خیر؟ آنچه که من مطالعه کرده‌ام، بیشتر موارد مربوط به کسانی است که مشکل یا گرفتاری برایشان پیش آمده و یا عده‌ای از خاصان توفیق آن را یافته و به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم شتافته‌اند. حال به طور کلی نظر شما درباره امکان دیدار و ملاقات چیست؟

۹۳ دعا برای ملاقات

پرسش ۱۸. بسیار علاقه دارم که به حضور امام و محبوب مشرف شوم؛ آیا چله‌ها و ختم‌هایی که برای مشاهده و دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم در بعضی از کتاب‌ها نقل شده، درست است و می‌توان از این طریق به محضر آن حضرت شتافت. در غیر این صورت از تشرفات و دیدارهای کدام افراد صحیح و درست است و می‌توان به داستان آنها باور داشت؟

۱۰۳ راستی یا دروغ‌گویی ملاقات‌کنندگان

پرسش ۱۹. طبق توقیع شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم می‌فرماید: «هر کس بگوید که مرا دیده است، دروغ گفته است»، در حالی که در طرف دیگر می‌بینیم بسیاری از شخصیت‌های بزرگ معتقدند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم را دیده‌اند؟ این تناقض را چگونه توجیه می‌کنید؟

۱۱۱ داستان‌های ملاقات‌کنندگان

پرسش ۲۰. اگر ممکن است چند نمونه از داستان‌ها و حکایات کسانی که به حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم مشرف شده‌اند برایم بنویسید.

۱۱۲ کتابنامه

مقدمه

«پرسش‌گری» از آغاز آفرینش انسان، رخ‌نمایی کرده؛ بر بال سبز خود، فرشتگان را فرانشانده، بر برگ زرد خود، شیطان را فرونشانده و در این میان، مقام آدمیت را نشان داده است. آفتاب کوفه چه زیبا فرموده است:

«مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلِمَ» و «مَنْ عِلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ».

هم سؤال از علم خیزد هم جواب همچنان که خار و گل از خاک و آب

آری! هر که سؤال‌هایش آسمانی است، دانش و بینش پاسخش خواهد بود. پویایی و پایایی «جامعه» و «فرهنگ»، در گرو پرسش‌های حقیقت‌طلبانه و پاسخ‌های خردورزانه است.

از افتخارات ایران اسلامی، آن است که از سویی، سرشار از جوانانی پاک دل، کمال‌خواه و پرسش‌گر می‌باشد و از دیگر سوی، از مکتبی غنی برخوردار است که معارف بلند آن، گوارا نوش دل‌های عطشناک پرسش‌گر و دانش‌جوست. اداره مشاوره و پاسخ پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، محفل انسی فراهم آورده است، تا «ابر رحمت» پرسش‌ها را به «زمین اجابت» پذیرا باشد و نهال سبز دانش را بارور سازد. ما اگر بتوانیم سنگ صبور جوانان اندیشمند و بالنده ایران پرگهرمان باشیم، به خود خواهیم بالید.

شایان ذکر است در راستای ترویج فرهنگ دینی، اداره مشاوره و پاسخ نهاد، تاکنون بیش از هفتصد هزار پرسش دانشجویی را در موضوعات مختلف اندیشه دینی، مشاوره، احکام و... پاسخ داده است. این اداره دارای گروه‌های علمی و تخصصی، به شرح زیر است:

- قرآن و حدیث؛
- تربیتی و روان شناسی؛
- احکام؛
- اندیشه سیاسی؛
- فلسفه، کلام و دین پژوهی؛
- فرهنگی و اجتماعی؛
- حقوق و فلسفه احکام؛
- تاریخ و سیره؛
- اخلاق و عرفان؛
- ادیان و مذاهب.

آنچه پیش رو دارید، بخشی از پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی مربوط به اندیشه مهدویت (دوران ظهور) است که توسط حجت الاسلام رحیم کارگر نگاشته شده است.

در پایان از همه همکاران اداره مشاوره و پاسخ، به خصوص حجت الاسلام والمسلمین صالح قنادی که در بازپژوهی و آماده‌سازی این اثر تلاش کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود و دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه - به ویژه دانشگاهیان - از خداوند متعال مسألت داریم.

الله ولی التوفیق

پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی نهاد



مهدویت (دوران ظهور)

دوران آخرالزمان

دین‌داری آخرالزمان

پرسش ۱

در روایت است که دین‌داری در آخرالزمان،
مثل گرفتن آتش در دست است، چرا
دین‌داری در این زمان، سخت‌تر از
زمان‌های دیگر است؟ اصولاً در عصر نزدیک
به ظهور، مردم از دین فاصله می‌گیرند یا این
که به طرف دین بیشتر می‌آیند؟

در ابتدا با استفاده از برخی روایات، تصویری از وضعیت دینی در آخرالزمان
ارائه می‌شود:

«اسلام و ایمان، غریب می‌شود، همان‌طور که در ابتدا غریب بود»،
«مساجد از نظر ظاهری آباد، ولی از نظر هدایت خراب هستند»،
«انسان دین خود را می‌فروشد، به گونه‌ای که ممکن است صبح مؤمن باشد و
عصر کافر شود یا عصر، مؤمن باشد و صبح کافر گردد»،
«جو عمومی و حاکم، جو کفر و بی‌دینی است؛ به گونه‌ای که حتی بعضی از
مؤمنان را نیز متزلزل کرده و به کفر دعوت می‌کند»،
«ملت‌های دیگر از ادیان خود، گمراه می‌شوند»،
«هر کس که پرچم گمراهی بلند کند، هوادارانی خواهد یافت»،
«با عقاید اسلامی - حتی ایمان به خدا - به طور علنی برخورد می‌شود»^۱،
«شنیدن حقایق قرآن، بر مردم گران آید؛ اما شنیدن باطل آسان است»،
«مردم نسبت به وقت نماز، بی‌اعتنا می‌شوند»^۲،
«بدعت‌ها ظاهر و زیاد شود».

۱. ر.ک: معجم احادیث امام مهدی، ج ۱، صص ۸۷، ۷۱، ۴۴، ۳۱ و... از پیامبر اکرم ﷺ.
۲. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰؛ حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، ص ۲۵۰-۲۴۹.

«حلال، حرام شود و حرام، حلال» و...^۱.

مجموع این جملات نورانی، بیانگر وجود نوعی تحیر، پس رفت اعتقادی، ظاهرسازی و رنگ باختن دین‌داری در آخرالزمان است. چنان‌که حضرت علی علیه السلام نیز به این مطلب اشاره فرموده است:

«یکون حیره و غیبه تضل فیها اقوام و تهتدی فیها آخرون»^۲؛ «غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که گروه‌هایی گمراه می‌شوند و دسته‌ای دیگر هدایت می‌یابند».

وضعیت دین‌داری در آخرالزمان سخت و شکننده و میزان روی‌گردانی اغلب مردم از دستورات الهی، زیادتر است. این مسئله دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد، از جمله:

۱. تحریف در آموزه‌های متعالی و راستین دین در این عصر فزونی می‌گیرد و ادیان و مکاتب مختلفی شکل می‌گیرد؛ این ادیان ساختگی، رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و باورهای راستین حق گرایانه هستند. در روایات نیز اشاره شده که سرگردانی در عقاید دینی، نتیجه جریان‌ات باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت ظاهر می‌شود.^۳
۲. گول‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای، به شدت با اسلام درگیر می‌شوند و با انواع تخریب‌ها و تحریف‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام و دین نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطن‌آمیز واقعیت‌ها را تحریف و تخریب می‌کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می‌شوند و گاه از دین خود شرمند می‌شوند، و از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می‌دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می‌کنند، به‌گونه‌ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان کنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم

۱. رک: معجم احادیث امام مهدی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ منتخب الاثر، ص ۵۲۷، و...

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۰۴؛ تاریخ غیبت کبری، ص ۲۴۶.

۳. رک: اشاره الاسلام، ص ۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

می‌شود که برخی، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند و حتی انسانیت را زیر پا قرار می‌دهند روشن است که با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.

۳. مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن دور می‌شوند. این دور شدن به چند شکل اتفاق می‌افتد. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام؛ یعنی، مردم به جای این که دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش بدهند.^۱

همچنین به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیرمعقول از قرآن عرضه می‌شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکرگرایي رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن در بین مردم گم شود و کسی نداند که منظور خداوند از نزول فلان آیه یا سوره یا کل قرآن و اسلام چیست. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند، زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد.^۲

با این حال نباید از نظر دور داشت که اگر حفظ دین در آخرالزمان دشوار است به همان نسبت عوامل و زمینه‌های دین‌دار شدن نیز بهتر و بیشتر فراهم است. برای نمونه در هیچ زمانی به اندازه زمان ما ابزار و وسایلی که بتوان با کمک آنها دین را شناخت فراهم نبوده است؛ مانند کتاب، صوت، تصویر و نیز گسترش دانش و معارف. اگر در گذشته شخصی برای استماع حدیثی فرسنگ‌ها راه بیابان را طی می‌نمود، امروز با زدن چند کلید رایانه و یا مراجعه ساده به کتاب‌ها و نیز امواج رادیویی و تصویری و... می‌تواند به همان اطلاعات دسترسی پیدا کند. علاوه بر آنکه مردم آخرالزمان از عقل و هوش بیشتری برخوردارند. از امام سجاد (ع) نقل شده که فرمود:

«خداوند آیات سوره توحید و نیز اول سوره حدید را برای مردم آخرالزمان نازل

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۲. ر.ک: تفسیر فرات کوفی، ص ۱۳۹.

کرده است، چرا که مردم آخرالزمان از عقل و بینش بالاتری برخوردارند». از طرف دیگر هر چند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است؛ ولی پاداش انسان‌های متدین و دین‌مدار نیز افزون است.

در روایتی پیامبر گرامی اسلام ﷺ به اصحابش فرمود:

«به زودی گروهی بعد از شما می‌آیند که یک نفر از آنان اجر پنجاه نفر از شما (صحابه) را دارد».

اصحاب گفتند: «یا رسول الله! ما با تو در بدر واحد و حنین شرکت داشتیم و قرآن در میان ما نازل شد». پیامبر ﷺ فرمود:

«اگر بر شما وارد می‌شد آن چه آنان تحمل می‌کنند، مانند صبر آنان صبر نمی‌کردید»^۱.

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام):

«در کارها و فداکاری‌های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریک‌اند»^۲.

«و اینان کسانی‌اند که پیامبر، آنان را برادر خود خوانده و آرزوی دیدار آنان را کرده است»^۳.

«افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده است»^۴.

بنابراین در این دوران عده‌ای از مردم، به اوج تقوا و دین‌داری رسیده و به آن پای‌بند هستند. اینان یاران و دوستداران حضرت مهدی (عجله الله تعالی فرجه الیه) هستند و تلاش می‌کنند تا زمینه ظهور و قیام آن حضرت را فراهم سازند و جامعه را آماده کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

۲. همان، ص ۱۳۱، ح ۳۲.

۳. همان، ص ۱۳۳، ح ۳۶.

۴. همان، ص ۱۴۳، ح ۵۹.

فساد آخرالزمان

پرسش ۲

آیا درست است که در آخرالزمان به طور کلی جهان به فساد کشیده شده و ظلم و تباهی همه جا را فراخواهد گرفت و در آن حال، امام عصر ظهور خواهند کرد؟ در این صورت این سؤال مطرح می شود که اگر سرانجام و به طور طبیعی چنین فساد و طغیانی، جهان را فرا خواهد گرفت، پس چرا باید به سمت اصلاح خود و جامعه حرکت کنیم؟

این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت انسانی و دینی و برداشت غلط از موضوع ظهور است؛ زیرا:

اولاً؛ هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و... مشروط به چنین شرطی نیست؛ یعنی، تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند و عمل به آنها الزامی است؛ چه موجب تسریع در ظهور شود یا تأخیر آن.

ثانیاً؛ آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد، دست روی دست بگذاریم و همه آیات و روایات را به کناری بگذاریم؛ به این بهانه که ما می خواهیم در ظهور تعجیل گردد! آیا این عذری خداپسندانه است؟!

ثالثاً؛ در احادیثی که وظایف منتظران مشخص شده، همه جا سخن از تقوا، ورع، عفاف، دوری از گناه و قرب به خداوند است.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هر کس خشنود می شود که از اصحاب قائم باشد، پس باید منتظر باشد و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور بمیرد، اجرا و مانند کسی است که زمان ظهور را درک کرده است.»

«پس (در جهت نیکی‌ها) بکوشید و منتظر باشد. (این انتظار)، گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده»^۱.

علمای ما درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتاب‌های مستقلاً نوشته یا فصل‌های از کتاب خود را بدان اختصاص داده‌اند (مانند نجم‌الثاقب، مکیال المکارم و...).

در این کتاب‌ها و مشابه آنها - که تنها براساس روایات معصومین نوشته شده - هیچ‌گاه پر کردن جهان از فساد و تباهی به عنوان وظیفه منتظران در زمان غیبت، یاد نشده است.

از همه این‌ها گذشته، ما باید موضع و موقعیت خود را در زمینه قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشخص کنیم. بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی، برای درهم کوبیدن و حذف آنان صورت می‌گیرد!! اگر در صدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در زمره اصحاب فداکار عضویت خواهند داشت. بنابراین به فرض این که با ساکت بودن و به نظاره نشستن و یا کمک کردن به توسعه فساد، ظهور حضرت را پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته‌ایم. مگر نه این است که حضرت بقیه‌الله برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط محرمات الهی و فسادگری و اصلاح انسان‌ها و جوامع، قیام می‌کند. پس چگونه می‌توانیم از قیام آن بزرگوار بهره‌مند شویم.

گفتنی است که بیان وضعیت فساد آلود و معصیت بار جهان در آخرالزمان، هم هشدار به جوامع انسانی است و هم علامتی خبر دهنده از نزدیکی قیام و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. این هشدارها و پیش‌گویی‌ها وظیفه ما را سنگین می‌کند و ما را نسبت به عواقب شوم فساد و تباهی آگاه می‌سازد.

محمد بن مسلم می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ فرمود:

«هنگامی که مردان خود را شبیه زنان کنند و زنان، شبیه مردان شوند، آن گاه مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان!!»^۱.

استاد مطهری در این زمینه می نویسد: «برداشت قشری از مردم درباره مهدویت و قیام انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی ناشی می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشانی‌ها است. آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت، هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون می‌آید. از این رو هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی است، دست غیب ظاهر نمی‌شود؛ به عکس هر گناه، هر فساد، ظلم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه اصلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند و رواست، و هدف‌ها، وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند! پس بهترین کمک به تسریع در ظهور، ترویج و اشاعه فساد است! اینجا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی.

این گروه به طور طبیعی به مصلحان، مجاهدان، آمران به معروف و ناهیان از منکر، با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود می‌شمارند.

در حالی که آیات قرآن کریم در جهت عکس برداشت بالا است؛ ظهور مهدی موعود، حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق و باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد اهل ایمان و عمل صالح باشد.

ظهور مهدی موعود تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتاب‌های آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد»^۱.

ایشان در فراز دیگری می‌نویسد: «حدیث معروف که می‌فرماید: «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً»^۲ نیز شاهد مدعای ما است، نه بر مدعای آن گروه. در این حدیث نیز تکیه روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه برای حمایت از مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند....

شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند مبنی براین که این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر این که هر یک از شقی و سعید، به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعدا و گروه اشقیاء، هر کدام به نهایت کار خود برسند.

در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده‌ای را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است؛ بلکه اگر به فرض اصل حق از نظر کمیت، قابل توجه نباشد، از نظر کیفیت، ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء»^۳.

۱. قیام و انقلاب مهدی موعود، ص ۵۶-۵۴.

۲. الستجاد من الارشاد المجموعه، علامه حسن بن مطهر الحلی، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۵۶ و ۵۷.

علایم و نشانه‌های ظهور

پرسش ۳

منظور از نشانه‌های ظهور چیست؟

شیخ مفیده (ره) در کتاب الارشاد انبوهی از این نشانه‌ها و علایم را به‌طور فشرده نقل کرده است. به نظر او مهمترین نشانه‌ها عبارت است از:

۱. جنبش ارتجاعی سفیانی.
۲. قتل سید حسنی.
۳. جنگ قدرت بنی عباس.
۴. گرفتن خورشید در نیم روز ماه رمضان.
۵. شکافته شدن زمین و فرورفتن تجاوزکاران.
۶. فرورفتن زمین در مشرق و مغرب.
۷. توقف خورشید به هنگام نیم روز در وسط آسمان.
۸. طلوع خورشید از مغرب.
۹. قتل نفس زکیه پشت دروازه کوفه در زمره هفتاد تن از شایستگان.
۱۰. بریده شدن سر مردی از بنی هاشم در میان رکن و مقام.
۱۱. ویران شدن دیوار مسجد کوفه.
۱۲. حرکت پرچم‌های سیاه از طرف خراسان.
۱۳. قیام جنبش یمنی.
۱۴. آشکار شدن مرد مغربی و تصرف سرزمین شام به وسیله لشکر او.

۱۵. فروآمدن ترک‌ها در جزیره.
۱۶. فروآمدن رومیان در رمله.
۱۷. طلوع ستاره‌ای درخشان و نورانی بسان ماه و آن گاه انعطاف خاص آن.
۱۸. پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان.
۱۹. پیدایش ستون آتشی در مشرق به مدت سه تا هفت روز.
۲۰. قیام امت عرب و برکنار شدن زمامداران عرب به وسیله ملت‌های خویش و به دست گرفتن زمام امور کشورها به وسیله مردم.
۲۱. خروج جهان عرب از سیطره عجم (احتمالاً غربی‌ها).
۲۲. کشته شدن رهبر مصر به دست مردم.
۲۳. انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن.
۲۴. ورود پرچم‌های قیس و عرب به مصر و پرچم‌های «کنده» به خراسان.
۲۵. ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن به آنها به دروازه شهر حیره.
۲۶. شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب در کوچه‌های کوفه.
۲۷. خروج شصت پیامبر دروغین.
۲۸. خروج دوازده امام دروغین.
۲۹. به آتش کشیده شدن مرد گران قدری از بنی عباس بین جلول و خانقین.
۳۰. ایجاد پل ارتباط میان کوفه و بغداد.
۳۱. وزش بادی سیاه در آغاز روز.
۳۲. ترس و ناامنی فراگیری که همه عراق و بغداد را فرا می‌گیرد.
۳۳. مرگ سریع و دردناک و نقص و زیان در اموال و جان و ثمرات.
۳۴. آفت ملخ نابهنگام و بهنگام کشاورزی.
۳۵. برداشت کم محصولات زراعی.
۳۶. جنگ قدرت میان عجم (غیرعرب) و خونریزی بسیار در میان آنان.
۳۷. شورش بردگان بر ضد برده داران و کشتن آنان.

۳۸. مسلمان شدن گروهی از بدعت‌گذاران و به صورت میمون و خوک درآمدن آنان.

۳۹. تسلط کشورهای عقب مانده به کشورهای زورمندتر و ثروتمند.

۴۰. طنین‌افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش جهانیان به زبان‌های گوناگون.

۴۱. پدیدار شدن چهره و سینه‌ای در کره خورشید.

۴۲. زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا به گونه‌ای که مردم آنان را شناخته و با آنان دیدار می‌کنند. ... آن گاه است که (مردم) از ظهور آن امام موعود در مکه مکرمه و بیت الله آگاه می‌گردند و با شور و شوق و اخلاص به یاری او می‌شتابند.^۱

در رابطه با این علایم و نشانه‌ها، توجه به چند نکته بایسته است:

۱. باورداران به مصلح کل امام عصر عجل الله تعالی فرجه، باید همواره چشم انتظار ظهور آن حضرت باشند و با بهره‌گیری از اصل انتظار، آمادگی‌های لازم را برای یاری و همراهی با امام موعود خویش کسب کنند. این که هنوز بعضی از نشانه‌ها تحقق نیافته باشند، هرگز به معنای نفی لزوم انتظار در هر روز و شب نیست.

۲. علایم و نشانه‌های ظهور، چیزهایی هستند که تا واضح نشوند، حضرت صاحب الزمان ظاهر نمی‌شود و حدوث هر یک از آنها، دلیل این است که ایام فرج تا اندازه‌ای نزدیک شده است؛ اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت، بلافاصله حضرت صاحب الامر ظهور کند؛ ولی در مورد بعضی از آنها (مانند قیام سید حسنی، و خروج سفیانی و...)، تصریح شده که مقارن ظهور آن حضرت واقع می‌شود.

۳. خداوند امر ظهور امام زمان را تنها در یک شب، مقرر خواهد فرمود و در این صورت نیازی به مقدمات طولانی نخواهد بود، بلکه بسیاری از

۱. الارشاد، ص ۳۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

۲. ر.ک: محمدکاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

نشانه‌های ذکر شده در روایات ممکن است طی همان یک شب و روز تحقق یابد.

۴. بعضی از علایم و نشانه‌ها، به طور اعجاز و خارق العاده واقع می‌شوند تا صحت ادعای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف را تأیید کنند و اهمیت مسئله و فوق العاده بودن اوضاع را به جهانیان اعلام دارند. حکم این علایم با سایر معجزات یکسان است و به صرف این که با جریان عادی سازگار نیست، نباید آنها را مردود شناخت.

۵. یکی از دلایل ذکر این نشانه‌ها در روایات، آشنا شدن مردم با شرایط ویژه‌ای است که قبل از قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پدید می‌آید. آشنایی مردم با این ویژگی‌ها، می‌تواند عامل مهمی در شناسایی مدعیان دروغین مهدویت و رسوایی فرصت طلبانی باشد که از جهالت مردم تحت پوشش نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف سوءاستفاده می‌کنند!

۶. احادیث اهل بیت علیهم السلام علایم ظهور را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: یکی از آنها علایم حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود.

قسم دوم؛ یعنی، علایم غیرحتمی، حوادثی است که به طور مطلق و حتم از نشانه‌های ظهور نیست؛ بلکه مشروط به شرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد، مشروط نیز محقق می‌شود.

هنگامه ظهور

پرسش ۴

اینکه بعضی از علایم ظهور به وقوع پیوسته، آیا نمی‌تواند نشانه‌ای از نزدیک بودن قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؟

برخی بر این باورند که بسیاری از علایم ظهور اتفاق افتاده و تنها علایم حتمی ظهور باقی مانده است؛ پاسخ این است که واقعاً نمی‌توان سخنی قطعی و کامل در این مورد گفت؛ زیرا منابع اصلی و قدیمی شیعه، معمولاً از نشانه‌های خاص و محدود نام برده‌اند و بعضی از این نشانه‌هایی که به عنوان علایم اتفاق افتاده مطرح می‌شود، در این منابع وجود ندارد و یا بسیار کم رنگ مطرح شده است پس ارائه نظر قطعی در مورد این نشانه‌ها، نیاز به پژوهش‌های علمی و گسترده در همه این منابع دارد.

از طرفی، سخن از واقع شدن بعضی از نشانه‌ها و تطبیق آنها با حوادث خارجی، دشوار است. به عنوان نمونه، در مواردی که سخن از یک علامت و ظهور فرج بعد از آن مطرح شده، منظور گشایش و راحتی برای مؤمنان است (نه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف).^۱

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «منتظر صدایی باشید که از طرف دمشق، ناگهان به شما می‌رسد که آن، گشایشی بزرگ برای شما خواهد بود».^۱ در بعضی از روایات، سخن امام به گونه‌ای است که خبر از یک اتفاق و واقعه می‌دهد، نه اینکه بخواهد آن واقعه را یکی از علایم ظهور معرفی کند؛ مانند

۱. الغیبة نعمانی، ب ۱۴، ح ۶۶.

وقوع گرمای شدید در زمین^۱.

بعضی از نشانه‌ها نیز طوری است که می‌تواند معنای دیگری - غیر از معنای ظاهری - داشته باشد؛ مانند طلوع خورشید از مغرب که شاید کنایه به ظهور از مکه باشد. چنان که امام علی علیه السلام فرمود:

«و هو الشمس الطالعة من مغربها»^۲.

با این حال بعضی از علایم و نشانه‌های ظهور محقق شده است^۳. و این می‌تواند نویدی از نزدیک شدن ظهور باشد. البته باید دانست قیام امام وابسته به تحقق علایم نیست، بلکه وقوع آنها خبر از نزدیک ظهور می‌دهد. پس به استثنای برخی از علایم (نشانه‌های حتمی)، هیچ یک دلالت ندارند که میزان نزدیکی آن حوادث با ظهور چه قدر است؟ برای مثال ممکن است پدیده‌ای قرن‌ها قبل از قیام رخ دهد و پدیده‌ای در بیست یا سی سال قبل از ظهور رخ نماید.

بنابراین انتظار ظهور با دیدن این حوادث نباید به نحو عجولانه باشد، یعنی فکر کنیم با پیدایش فلان حادثه حتماً تا چند روز یا هفته دیگر قیام شروع خواهد شد، بلکه این مسائل، بیداری را در ما به وجود می‌آورد که یک گام به آن وعده بزرگ الهی نزدیک شده‌ایم و باید خود را بیش از پیش در مسیر این نهضت جهانی، آماده کنیم. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، منوط به اذن الهی است و اذن الهی زمانی است که شرایط و زمینه‌های ظهور فراهم باشد.

در این رابطه توجه به چند نکته بایسته است:

یکم. عده‌ای با توجه به اوضاع و شرایط فعلی حاکم بر جهان به این باور رسیده‌اند که دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم همان دوره آخرالزمان است که در روایات به آن اشاره شده است؛ زیرا برای آخرالزمان نشانه‌هایی گفته شده (مانند گسترش فساد و تفسیر دین بر اساس هوا و هوس و...) که این نشانه‌ها در دوره زمانی ما به وقوع پیوسته است پس زمان کنونی آخرالزمان است

۱. همان، ح ۴۴.

۲. بحار الانوار، ح ۵۲، ح ۲۶

۳. رک: محمد صدر، تاریخ غیبت کبری.

و ظهور نیز در این دوران محقق می‌شود. به علاوه با وجود انقلاب اسلامی ایران و زنده شدن نام و یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه التریب، آمادگی و اقبال مردم برای پذیرش ایشان بیشتر شده و امید به ظهور زیادت‌ر گشته است.

دوم. برخی از علما معتقدند: همان‌گونه که غیبت دو مرحله‌ای بود و غیبت صغری برای ایجاد آمادگی مردم برای ورود به غیبت کبری لازم بود، ظهور نیز ممکن است دو مرحله‌ای باشد و با ظهور صغری که در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافته است، مردم با حقیقت قیام امام زمان آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند و برای ظهور اصلی و قیام جهانی حضرت آماده می‌شوند.

سوم. حرکت عمومی کشورها و جوامع به سمت وحدت و همگرایی و به عبارت دیگر توجه به تشکیلات بین المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای و فاصله گرفتن از جزئگرایی، ملت‌ها را به این نتیجه رسانده که برای آینده‌ای بهتر، باید مرزها را به حداقل رساند و جهان را دهکده‌ای کوچک دانست. این رویداد، آمادگی مردم برای پذیرش یک حاکمیت فراگیر، بیشتر کرده است. البته استکبار جهانی تئوری دهکده جهانی را در جهت حفظ منافع خود و تک قطبی شدن جهان پی‌گیری می‌کند اما چه بسا اراده الهی به دست دشمنان خدا نیز انجام گیرد.

چهارم. اجحاف و تجاوز بیش از حد و روز افزون دولت‌های استکباری به کشورهای فقیر به شکل‌های گوناگون از یک‌سو و لجام گسیختگی فرهنگی و فکری و علمی؛ مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مدنیت از سوی دیگر، باعث هرج و مرج در زندگی بشر شده است.

این گونه مسائل و مباحث این واقعیت را اثبات می‌کند که آینده روشن فقط در سایه حاکمیت فردی آسمانی است که احتمالاً ظهورش نزدیک است.

پنجم. گاهی خبرهایی مبتنی بر نزدیکی ظهور به برخی از شخصیت‌های نسبت داده می‌شود که نیاز به تأمل و بررسی دارد. باید دانست که امر مشخص نمودن زمان ظهور را فقط در اختیار خداوند است و هیچ کس نمی‌تواند برای آن زمانی معین کند، ولی متأسفانه گاهی شایعاتی مطرح می‌شود که به هیچ‌عنوان اساس درستی ندارد.

دجال و سفیانی

پرسش ۵

دجال و سفیانی کیستند و چرا خروج آنها از
علایم حتمی ظهور شمرده شده است؟
آیا آنان واقعاً به جنگ با حضرت مهدی
خواهند پرداخت؟

البته خروج سفیانی از علایم حتمی ظهور است اما خروج دجال از نشانه‌های
حتمی نیست. اینک درباره هر یک به اختصار توضیح می‌دهیم.

■ الف. خروج سفیانی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«السفیان من المحتوم و خروجه فی رجب...»؛ «سفیانی از نشانه‌های حتمی
است و (آغاز) شورش او در ماه رجب خواهد بود...».

وی از اولاد ابوسفیان و نامش براساس بعضی از روایات عثمان بن عتبّه است.
سفیانی با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را می‌فریبید و به گرد
خود می‌آورد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی را به تصرف خویش
در می‌آورد و بر مناطق شام، دمشق، حمص، فلسطین سیطره و تسلط می‌یابد
اما مناطق شیعه‌نشین تسلیم او نمی‌شوند و به همین جهت در کوفه و نجف
به قتل عام شیعیان می‌پردازد و برای کشتن و یافتن آنها جایزه تعیین می‌کند.
در روایات توصیفات زیادی از او شده و تا حدودی شخصیت او به تصویر درآمده
است:

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۲.

«پسر خورنده جگرها از بیابان خشک بیرون می‌آید و او مردی است میانه بالا و بزرگ سرو آبله‌رو. زمانی که او را می‌بینی، گمانت که او اعور است. نامش عثمان و نام پدرش عتبه است او از فرزندان ابوسفیان است هرگاه به سرزمینی می‌رسد که همواره دارای آب صاف است، آنجا مستقر می‌شود»^۱.

سفیانی شورش خود را از خارج دمشق (منطقه وادی یابس) شروع می‌کند و آن مصادف با سالی است که امام زمان قیام خواهد کرد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«خروج سفیانی و قیام قائم، در یک سال است»^۲.

او در شهرهای اسلامی (به خصوص عراق) به کشتار می‌پردازد و براساس روایات با سپاه یمانی و سیدخراسانی درگیر می‌شود. آن گاه به سمت جزیره العرب (عربستان) نیز بر می‌دارد و پس از فتح مکه سه روز به غارت و کشتار مردم مدینه و تخریب مسجدالنبی مشغول می‌شود. وی آن گاه که از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه با خبر می‌گردد، با سپاهی عظیم به جنگ آن حضرت می‌رود و در منطقه بیدا (بین مکه و مدینه)، سپاه امام عجل الله تعالی فرجه برخورد می‌کند و به امر خدا، همه لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می‌روند و هلاک می‌شوند^۳.

براساس پیش‌بینی برخی روایات، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه حدود نه ماه بعد از خروج سفیانی، خواهد بود.

هشام بن سالم می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی سفیانی به پنج شهر مسلط شد، نه ماه بشمارید...»^۴. در واقع مدت فعالیت سفیانی پانزده ماه خواهد بود که شش ماه آن به تصرف مناطق و جنگ‌های مختلف می‌گذرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«چون سفیانی به مناطق پنج‌گانه سیطره یافت، برایش نه ماه بشمارید

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۱، ج ۲۶، از امام علی علیه السلام.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، ح ۳۴.

۳. رک: تاریخ غیبت کبری، ص ۵۲۰-۵۱۸؛ الملاحم و الفتن، ص ۵۷.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

(فَعْدُوا لَهُ تَسْعَةَ أَشْهُرٍ)^۱.

بدون تردید در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسانی همانند سفیانی، مجالی برای تحرک و فعالیت نخواهند داشت. از آنجایی که سفیانی خصومت شدیدی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند داشت و ندای دعوت او را اجابت نخواهد کرد، با اقدامات قاطع آن حضرت رو به رو خواهد بود. برخی روایات بر کشته شدن او به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می‌کنند. از جمله امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند سپاه سفیانی را نابود می‌کند و هیچ کس از آنها جز سفیانی روی زمین باقی نمی‌ماند؛ در این حال مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را می‌گیرد و گردن می‌زند...»^۲.

■ ب. ظهور دجال

یکی از نشانه‌هایی که درباره آن، مطالب زیادی مطرح شده و جزو علایم غیرحتمی است، ظهور دجال است. آنچه در توصیف دجال معروف است، این است که وی مردی است کافر (برعکس سفیانی که ادعای مسلمانی می‌کند و ذکر یارب یارب می‌گوید و...) یک چشم بیش ندارد، آن هم در پیشانی‌اش واقع شده و مانند ستاره‌ای می‌درخشد.

حال منظور از این دجال کیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟

دجال از ریشه دجل به معنای دروغ‌گوی حيله کار است. اصل داستان دجال در کتاب‌های مسیحیان است. در انجیل این واژه بارها به کار رفته است و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند، به عنوان دجال یاد شده است. در ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی واژه «آنتی کراست»^۳ (دجال، ضد مسیح) به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته

۱. الغیبة نعمانی، ص ۴۳۲، ح ۱۳.

۲. التشریف بالمنن، ص ۲۹۶، ح ۴۱۷.

3. Antichrist.

شده است. در کتاب‌های روایی شیعه، تنها چند روایت در مورد خروج دجال به عنوان یکی از علایم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له آمده است که از نظر سند، معتبر و قابل قبولی نیستند.^۱

در حدیثی آمده است:

«هنگامی که غنایم قسطنطنیه را تقسیم می‌کنند، خبر خروج دجال به حضرت و یارانش می‌رسد»^۲.

با توجه به معنای لغوی «دجال»، مقصود از آن، چه بسا نام شخص معینی نباشد؛ بلکه هر کس که با ادعای پوچ و بی‌اساس و با تمسک به انواع و اسباب حيله‌گری و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد، دجال است. براین اساس دجال‌ها متعدد خواهند بود. بنابراین احتمال، قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه له، افراد حيله‌گری برای نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی همه تلاش خود را به کار می‌گیرند تا با تزویر و حيله‌گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبری دچار تردید سازند!!

چه بسا «دجال» کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر ضد جهان باشد. استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی، صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. براین اساس است که پیامبران، امت‌های خود را از فتنه دجال بیم داده‌اند:

«ما بعث الله نبیاً الا و قد انذر قومه الدجال»^۳؛ «هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آن‌که قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت».

به نظر نگارنده، ظهور شخصی به نام دجال و دشمنی‌های شدید او با امام مهدی و فتنه‌های فراوان او، قرین صحت است و براساس روایات گروه‌های فراوانی (چون یهودیان، زنا زادگان، شراب‌خواران، آوازه‌خوانان، افراد سفیه و...) از او

۱. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۲. معجم احادیث امام مهدی، ج ۲، ص ۵۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵؛ ر.ک: دادگستر جهان، ص ۲۲۳، چشم به راه مهدی، ص ۲۸۹.

حمایت خواهند و فرجام کار او نیز کشته شدن به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قائم بعد از غیبت ظهور می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می سازد»^۱.

البته در منابع اهل سنت آمده که دجال به دست عیسی علیه السلام کشته می شود که منافاتی با این دیدگاه شیعه ندارد؛ زیرا عیسی علیه السلام تابع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و به دستور او دجال را می کشد.

پرسش ۶

امام زمان را دوست دارم؛ ولی از آنجایی که می‌دانم در صورت ظهور، ایشان انتقام مظلومان را می‌گیرد و انسان‌های بد را به سزای اعمال‌شان می‌رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم، می‌ترسم جزء آن انسان‌ها باشم! به همین دلیل از ایشان می‌ترسم؟!

با شناخت و بینش درست نسبت به اهداف و فلسفه قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها انسان را ترس فرا نمی‌گیرد، بلکه از آن استقبال کرده و از آن راضی و مسرور خواهد شد. در روایات مختلفی آمده است:

«یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض...»^۱؛ «ساکنان آسمان و زمین از او خشنودند».

«یتمنی الاحیاء الاموات مما صنع الله عز و جل باهل الارض من الخیر»^۲؛ «...زندگان آرزو می‌کنند ای کاش مردگان می‌دیدند که آنچه خداوند از خیر و خوبی برای مردم انجام داده است».

مردم به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهر می‌ورزند و به سویی پناه می‌برند آن چنان که زنبورهای عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند (یاوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسو بها) عدالت را در پهنه گیتی می‌گستراند و صفا و صمیمت صدر اسلام را به آنان باز می‌گرداند^۳.

آری این درخشان‌ترین و شکوهمندترین لحظه تاریخی است که کل بشر آمال و آرزوهای صلح گریانه و عدالت خواهانه را در سیمای رفتار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲. بشارة المصطفی، ص ۲۵۰.

۳. منتخب الاثر، ص ۵۹۸، ح ۲.

متجلی خواهند دید و مشتاقانه و آگاهانه از او اطاعت خواهند کرد و به وجودش خواهند بالید. بر این اساس او امام بر حق و خلیفه و حجت خدا بر روی زمین است و نجات دهنده و یاور مستضعفان و صالحان می‌باشد. زمانی که او ظهور می‌کند همه موجودات استعداد‌های نهانی غایی خود بروز خواهند داد و از جماد و نبات گرفته تا انسان، همگی مانند زمین تشنه‌ای که باران را در خود جذب می‌کند استعداد‌های واقعی خود را نشان می‌دهند و به کمال و معنویت سوق داده می‌شوند. با وجود مبارک امام عصر حتی زمین‌ها، کوه‌ها و طبیعت به برکت قدمش، با برکت می‌شوند و به استقبالش خواهند شتافت. پس به جای ترس و نگرانی و به جای اضطراب و ناراحتی با نگاهی امیدوار و نشاطی روح‌افزا در جهت آمادگی برای استقبالش تلاش کنیم.

حکومت امام زمان تمامی عالم را فرا خواهد گرفت و حصارها و مرزها برچیده و قانون الهی حاکم خواهد شد. امام مهدی عجله الله تعالی فرجه در نخستین قدم اصلاحی و تربیتی، عقل و دانش مردم را کامل و اخلاق و رفتارشان را اصلاح خواهد کرد؛ یعنی مهم‌ترین برنامه او فرهنگی و تربیتی خواهد بود، نه برخوردهای تنبیهی و استبدادی. در واقع آن حضرت برای نجات و رستگاری مردم می‌آید، نه برای سخت‌گیری و دشمنی. به همین جهت همه در راحتی و امن و امان خواهند بود. او نجات دهنده بشریت از ظلم و کفر و جهل و بیداد است. در پرتو هدایت‌گری و ارشادات او، انسان‌ها در مسیر تعالی و تکامل قرار گرفته و تمامی کوتاه‌بینی‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افکار بسته و کوتاه - که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت‌آمیز اجتماعی است - برطرف خواهد شد و ...

حال با این مطلب مزده و خبر مسرت بخش باید کاملاً امیدوار بود و در آرزوی تحقق این حکومت جهانی، لحظه شماری کرد. البته وحشت و بیم برای گروه باطل (مفسدان، ظالمان و کافران) است؛ آن هم در صورتی که ایمان نیاورند و یا عمل خیری انجام ندهند و بر ظلم و فسادگری خود پافشاری کنند که مشمول خشم و قهر حضرت خواهند شد.

پرسش ۷

می‌گویند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی ظهور می‌کند که شرایط آن فراهم شود؛ با توجه به وضعیت فعلی جهان آیا می‌توان گفت ظهور نزدیک است و نیز شرایط فراهم است؟

شرایط به اموری گفته می‌شود که تحقق ظهور وابسته به وجود آنهاست و تا آنها محقق نشوند، ظهوری در کار نخواهد بود. اما علایم و نشانه‌ها، آن دسته رویدادها و حوادثی است که براساس گفته پیشوایان معصوم، قبل و یا در آستانه ظهور واقع خواهد شد و تحقق هر کدام نوید نزدیک بودن قیام حضرت را می‌دهد. براین اساس انقلاب جهانی امام علاوه بر این که دارای علایم و نشانه‌هایی است که پیش از وقوع آن روی می‌دهد، دارای یک سری شرایط و بایسته‌هایی است که با تحقق آنها، قیام اتفاق خواهد افتاد. در رابطه با این انقلاب و یا هر انقلاب واقعی دیگر، چند شرط متصور است.

■ یک. قانون و برنامه کامل و جامع

می‌دانیم که زندگی بشری به خصوص در عصر حاضر با کاستی‌ها و دشواری‌های فراوانی رو به رو بوده و مهم‌ترین خواسته‌ها و نیازهایش از جمله عدالت، معنویت و رفاه واقعی است هیچ مکتب و دولت و انقلابی نیز نتوانسته به‌طور اساسی مشکلات بشر را برطرف کند و اگر موفقیتی داشته در بعضی از ابعاد و محدود بوده است. در واقع برای رفع همه کاستی‌ها و تحقق اهداف عالی جامعه بشری نیاز به یک برنامه کامل و جامع است که تاکنون هیچ یک از مکاتب و نحله‌های بشری نتوانسته‌اند آن را ارائه دهند و این تنها در کتاب

آسمانی (قرآن) وجود دارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبین آن و تحقق بخش تمامی آموزه‌های آن با یک انقلاب جهانی خواهد بود. یک انقلاب برای درهم شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه‌ای جامع برای مبارزه با مشکلات و تغییر وضع موجود.
۲. قانون متناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و براساس نیازهای واقعی جامعه.

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز این شرط لازم را دارد. برنامه انقلاب جهانی آن حضرت مبارزه پیگر و جدی با حکام جور و سردمداران فکری و نظامی جامعه بشری و نابودی کامل فساد و ظلم و کفر است. آن حضرت هم دارای این برنامه و هدف است و هم براساس پیش بینی‌های قرآنی و روایی موفق و پیروز خواهد بود. برنامه حضرت در قسمت دوم، براساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است که کامل‌ترین و بهترین برنامه زندگی انسانی است. این قانون جامع، متناسب با همه نیازهای جامعه و ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«سیره و سنت او، سنت من است مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند»^۱.

■ دو. رهبری مقتدر و توانمند

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب وجود رهبر و پیشوایی آگاه، توانمند و دلسوز است تا با آشنایی کامل از اهداف، برنامه‌ها، زمینه‌ها و موانع، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت انقلابی را راهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد. هم‌چنین بتواند فرمان روایی جهان را در دست گرفته و عدالت را در آن گسترش دهد.

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶.

انقلاب عظیم مهدوی، به یقین دارای این شرط است. حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با توجه به مقام امامت‌شان، مسلماً شایستگی چنین منصبی را دارد و می‌تواند چنین مسئولیتی را بر عهده بگیرد.

■ سه. یاران ایثارگر و مجریان توانمند

شرط دیگر یک انقلاب وجود یارانی فداکار است که با آشنایی نسبت به برنامه‌ها و اهداف و اعتقاد به آنها تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست بردارند و آماده هرگونه فداکاری باشند.

قیام جهانی امام مهدی نیز نیاز به یارانی دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین تا آخرین لحظه فداکاری کنند. این جمعیت خالص و مخلص که اصحاب حضرت را تشکیل می‌هند، نقش جدی و قابل توجهی در رهبری سپاه و فتح کشورها و اداره مناطق و سرزمین‌ها ایفا خواهند کرد.

امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام در این زمینه می‌فرماید:

«اصحاب مهدی به سوی او اجتماع می‌کنند که سیصد و سیزده نفراند؛ به تعداد اهل بدر از نقاط مختلف زمین... وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می‌کند و چون عده کامل شد که ده هزار نفراند، به اذن خدا خروج می‌کند»^۱.

چه بسا این شرط هنوز تحقق نیافته و تعداد یاران آن حضرت - به خصوص اصحاب خاص - کامل نشده است تا قیام نیز صورت گیرد.

■ چهار. آمادگی عمومی و بالا رفتن سطح رشد و فهم مردم

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی و قابلیت آنان است، اگر مردم آن را نخواهند، و شرایط فکری و روانی فراهم نباشد، آن قیام به سرانجام نمی‌رسد؛ چنان که نهضت الهی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به جهت عدم همراهی مردم در ظاهر شکست خورد و آن حضرت به شهادت رسید.

قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم

بشریت باشند. وجود این آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است؛ چرا که با وجود آن، حرکت اصلاحی حضرت به نتیجه خواهد رسید. از میان چهار شرط یاد شده، دو شرط فراهم است و آن طرح و برنامه کامل برای اداره جهان و وجود رهبر شایسته و کارآمد است. اما شرط سوم و چهارم نیز لازم است فراهم شود و مردم آمادگی پذیرش انقلاب او را داشته باشند. بر این اساس می‌توان تفاوت‌های میان شرایط و علایم ظهور را چنین شمارش کرد:

۱. رابطه ظهور با شرایطش واقعی است. یعنی تا آنها نباشند ظهور هم اتفاقی نمی‌افتد حال آن که علایم، دلالت بر ظهور می‌کنند و از امکان و نزدیکی وقوع چنین حادثه عظیمی خبر می‌دهند.
۲. شرایط ظهور با هم ارتباط متقابل و واقعی دارند، حال آن که ارتباط خاصی میان نشانه‌های ظهور مشاهده نمی‌شود.
۳. شرایط ظهور همگی با هم باید در یک زمان محقق باشند حال آن که علایم ظهور، به طور طبیعی طی ماه‌ها و سال‌ها و قرن‌ها رخ می‌دهند.
۴. شرایط ظهور باید مداومت داشته باشند و شرط بقای ظهورند، حال آن که نشانه‌های ظهور در زمانی خاص رخ می‌دهند و نه لزوم و نه امکان دارد که آن شرایط در مدت زمانی طولانی واقع شوند و وقوع آنها ادامه یابد.
۵. شرایط ظهور تنها در زمان ظهور است که به حد اعلای خود می‌رسند؛ حال آن که تمامی نشانه‌ها به مرور پیش از ظهور رخ می‌دهند.
۶. همه شرایط ظهور باید متحقق باشند؛ با آن که نشانه‌های ظهور لازم نیست که همه‌شان رخ بدهند و تنها حدوث علایم حتمی کافی است و بقیه به نزدیکی ظهور دلالت می‌کنند و اگر پیش از ظهور رخ ندهند، مشکلی در امر ظهور پیش نمی‌آید.^۱

۱. تاریخ غیبت کبری، ص ۳۹۹-۳۹۶؛ شش ماه پایانی، ص ۲۲۳-۲۲۲.

پرسش ۸

به نظر شما امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمدنی است یا آوردنی؟

یکی از مطالب مهمی که در میان آیات نورانی قرآن بارها مورد تصریح قرار گرفته، مسئله «قانون‌های حاکم بر جهان هستی و تاریخ و جامعه» است. طبق آیات فراوانی، تاریخ بشر و سرنوشت انسان‌ها در دایره نظام خاصی رقم می‌خورد به طوری که هر گونه دگرگونی و انقلابی، تابع یک سلسله قوانین مشخص و معینی است که از سوی خداوند، برای تدبیر جهان به اجرا درآمده است. در تعبیر قرآنی از آنها با عنوان «سنت‌های الهی» یاد شده است. شاید بتوان یکی از این سنت‌ها را، «سنت دریافت پاداش به اندازه تلاش و کوشش» نامید. طبق این سنت، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، به میزان سعی و تلاش آدمی بستگی دارد و این انسان است که در پرتو اختیار، با عمل، خویش یا جامعه را به پیش می‌برد و تاریخ را تکامل می‌بخشد و یا به خاطر سستی و عدم تلاش، قابلیت دریافت نعمت‌های الهی را از دست می‌دهد و در سرازیری سقوط قرار می‌گیرد.

قرآن درباره این سنت می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾^۱.

بنابراین اعطای نعمت‌های الهی - اعم از مادی یا معنوی - بسته به چگونگی تلاش و کوشش انسان است.

البته باید در نظر داشت که در کنار این سنت، قانون امداد رسانی و تأییدات غیبی خداوند - که در مواقع لزوم برای یاری انسان‌های پاک و مصلح به اجرا در می‌آید - تحت الشعاع واقع نمی‌شود؛ بلکه هر گاه انسان تا حدودی به وظایف خویش در قبال تکالیف الهی عمل کنند، آن سنت نیز به اجرا در خواهد آمد. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۱.

براساس این آیه، مرحله فعلیت رسیدن به سنت حضرت و یاری مؤمنان مشروط به انجام دادن وظیفه از سوی آنان است.^۲

با توجه به این مقدمه، روشن می‌شود که حضرت مهدی هم آمدنی است و هم آوردنی، یعنی باید مردم - یا حداقل یکتاپرستان و مؤمنان - به وظایف خود عمل کنند و آماده ظهور آن حضرت بوده و زمینه را برای قیام فراهم سازند. هم‌چنین بستری فراهم سازند که مردم جهان، نوعی آمادگی ذهنی و درخواست قلبی برای ظهور منجی آسمانی داشته باشند.

از طرفی خداوند متعال با توجه به اوضاع و شرایط جامعه و مناسب بودن زمینه‌ها و بسترها و براساس نیاز جامعه جهانی، هر وقت اراده کند، اذن قیام را صادر خواهد کرد. از این لحاظ امام مهدی آمدنی است و ممکن است براساس اراده الهی، و با توجه به نیاز شدید بشر، منتظر بعضی از زمینه‌ها و شرایط نباشد. اما آنچه در این جا اهمیت دارد، اراده و اختیار انسان‌ها است. زیرا بخشی از مقدمات در اختیار انسان‌ها نهاده و از آنان خواسته شده است در این جهت گام بردارند و هرگز سستی و کاهلی از خود نشان ندهند. در واقع براساس فلسفه متعالی تاریخ (نگرش دینی به آینده جهان) آینده بشر، جبری و الزامی نیست؛

۱. محمد (۴۷)، آیه ۷.

۲. فصلنامه انتظار، ش ۷، ص ۲۳۲.

بلکه منوط به اراده و خواست انسان‌ها است و تا این خواست همگانی صورت نگیرد، احتمال ظهور کم‌رنگ‌تر می‌شود.

اما در نظر فیلسوفان تاریخ و نحله‌های مختلف فکری (مانند هگل، مارکس، کانت و...) آینده تاریخ جبری است و اختیار انسان‌ها در شکل‌گیری مقصد و مسیر تاریخ تأثیر چندانی ندارد^۱.

براساس سنت‌های الهی نیز سرنوشت هر جامعه‌ای بسته به رویکرد و اراده آن جامعه دارد، بدین معنا که اراده جمعی مردم سبب پدید آمدن زمینه‌ها و بسترهایی می‌شود و بر این اساس است که در بعضی از روایات اشاره به زمینه‌سازان شده است که باعث آمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شوند:

«یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی یعنی سلطانه»؛ «از مشرق زمین مردمانی خروج می‌کنند و زمینه‌ساز حاکمیت مهدی موعود می‌گردند»^۲.

۱. ر.ک: نگارنده، آینده جهان، ص ۴۵-۳۴.
۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷ از رسول گرامی اسلام.

چرا بیشتر یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرد هستند و تنها عده محدودی زن در بین آنان حضور دارند؟ این عده کم، چه کاری می‌توانند انجام دهند؟!

گفتنی است در مواردی که یاری کردن مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید حضور فعالانه‌تری داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم‌خوانی، لذا وظیفه جهاد از دوش آنان برداشته شده است، مگر در زمان ضرورت.

در روایتی هم که به حضور سیزده زن اشاره شده بود، آمده که آنان همان‌گونه که همراه رسول خدا بودند فعالیت خواهند کرد. جالب این است که این بانوان، از جمله کسانی‌اند که از دنیا رفته‌اند و در زمان ظهور باز خواهند گشت و به فعالیت‌هایی چون مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت.

طبری در دلائل الامامة از امام صادق ع نقل کرده که این سیزده زن عبارت‌اند از: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه، زبیده ام‌خالد، ام‌سعید حنفیه، ام‌خالد جهنیه و...^۱.

۱. دلائل الامامة، ص ۳۱۴.

بر این اساس یاری رساندن زنان به حضرت، تنها منحصر به جبهه جنگ و شهادت نیست، بلکه عرصه‌های مختلفی چون عرصه فرهنگ، تربیت، اجتماع، و... را نیز در بر می‌گیرد. حوزه‌هایی که در آنها میدان یاری برای زنان، حفظ کرامت زن باز است و قطعاً آنان در حکومت حضرت، می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند؛ به عنوان نمونه در زمان فعالیت دجال، عده‌ای از زنان به یاری او می‌شتابند و او را تبلیغ می‌کنند؛ اما در مقابل بانوان مسلمانی قرار دارند که بر ضد دجال فعالیت دارند.

ابوسعید خدری می‌گوید: «هر جا دجال قصد می‌کند به آنجا برود، زنی به نام لثیبه (طیثبه)، پیش از او خود را به آنجا می‌رساند و می‌گوید دجال به سوی شما می‌آید، از او دوری جوئید و از عاقبت کارش برحذر باشید»^۱.

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲؛ فتن ابن حماء، ص ۱۵۱.

آیا یاران اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تاریخ اند و از میان این همه انسان های صالح و اولیای الهی انتخاب آنان چگونه صورت می گیرد، یعنی آنها دارای چه ویژگی های می باشند که به این مقام برگزیده شده اند؟!

انقلابی بزرگ و جهانی، نیازمند رهبران و مدیرانی لایق، کارکشته، وارسته و پرتوان است که هم پیروزی اش تأمین گردد و هم اهداف و برنامه های فراگیر آن تحقق یابد. بستر زمان و تاریخ، دروازه ورودی انسان ها به دانشگاه مهدوی است؛ دانشگاهی که در آن ملیت و قومیت، مذهب، نژاد، مقطع زمانی و... مطرح نیست؛ بلکه فراملی، قومی، نژادی و انسانی است. براین اساس قیام مهدوی، به حدی گسترده و فراگیر است که در قلمرو آن، همه ملیت ها و گروه ها - از گذشته تا حال و آینده - حضور دارند و حتی ملائکه الهی نیز در آن به ایفای نقش می پردازند.

پس از آنجایی که در میان یاران حضرت، پیامبران و اولیای الهی (چون عیسی، یوشع، خضر، اصحاب کهف و...) و هم از اصحاب پیامبر اسلام و امیرمؤمنان علیه السلام (چون سلمان و مالک، ابوذر و...) حضور دارند، می توان گفت آنان عصاره تاریخ خواهند بود. علاوه بر آن که خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه دهنده راه همه پیامبران و اوصیا و دارنده همه سنن و موارث آنان است؛ به طور طبیعی یارانش نیز دارنده این میراث گران بها خواهند بود. البته در مجامع روایی بر ۳۱۳ یار خاص آن حضرت تأکیدات ویژه ای شده و

اوصاف و خصلت‌هایی برای آنان شمارش شده است که نشان می‌دهد واقعاً آنان انسان‌های برتر، شایسته و برگزیده هستند و توان انجام این مأموریت بزرگ الهی را دارند.

■ اوصاف یاران در قرآن

در قرآن، آیاتی وجود دارد که ویژگی‌های برشمرده آنها را، می‌توان بر یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع تطبیق داد و در بعضی از روایات نیز، بیان شده که این آیات در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع و اصحابش باشد؛ از جمله می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^۱.

براساس این آیه خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت دین بر می‌انگیزد و اوصاف کسانی را که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، چنین شرح می‌دهد:

۱. آنان عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی‌اندیشند. هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند. ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾

۲. در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند. ﴿أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

۳. در برابر ستمکاران قدرتمند هستند. ﴿أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾

۴. جهاد در راه خدا برنامه همیشگی آنهاست. ﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾

۵. ثابت قدم بوده و از ملامت کنندگان باکی ندارند. ﴿وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

در پایان می‌فرماید: «به دست آوردن این امتیازات (علاوه بر کوشش شخصی)، مرهون فضل الهی است که به هر کس شایسته باشد، داده می‌شود. ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾.

در روایتی از امام صادق علیه السلام اوصافی برای یاران حضرت مهدی بیان شده که با اوصاف مذکور در آیه هماهنگ است.^۲

۱. مائده (۵)، آیه ۵۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

به طور کلی می توان اوصاف، و ویژگی های یاران خاص حضرت را در روایات چنین شمارش کرد.

■ اوصاف یاران در حدیث

۱. شناخت عمیق نسبت به خدا؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «در قلوب آنان (یاران مهدی)، نسبت به ذات خدا شکی نیست»^۱.

و «آنان به وحدانیت خداوند آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند»^۲.

۲. معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ امام سجاد علیه السلام می فرماید: «آنان کسانی اند که به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه اعتقاد دارند»^۳.

۳. اخلاص؛ امام جواد علیه السلام فرمود: «هنگامی که برای مهدی، ۳۱۳ تن از اهل اخلاص جمع شد، خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد»^۴.

۴. اطاعت و فرمانبری؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «اطاعت آنان از امام، بیشتر از فرمانبری کنیز در برابر مولایش است»^۵.

۵. استقامت؛ آن حضرت هم چنین فرمود: «... گویا قلب های آنان مانند تکه های آهن است... محکم تر از سنگ است»^۶.

۶. جان نثاری؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «آنان پروانه وار شمع وجود امام را در میان گرفته و او را با جان شان محافظت می کنند (یحفون به)»^۷.

۷. برخورداری از تأییدات الهی؛ امام علی علیه السلام فرمود: «... خداوند مردی (مهدی) را در آخر الزمان می انگیزاند... او را به ملائکه اش تأیید کرده و انصارش را حفظ خواهد نمود»^۸.

۱. همان، ص ۳۱۷.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.

۳. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۱، ح ۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۷۸-۳۷۷.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۶. همان، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۷. همان، ص ۳۰۸.

۸. همان، ص ۲۸۰، ح ۶.

۸. **شهادت طلبی؛** امام صادق علیه السلام فرمود: «یاران مهدی، آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند»^۱.

۹. **صبر و بردباری؛** امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یاران مهدی، گروهی‌اند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر او منت نمی‌گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و تکبر نمی‌کنند»^۲.

۱۰. **شیران روز و زاهدان شب؛** امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا من نظر می‌کنم به قائم و اصحاب او در نجف و کوفه، سجده‌ها به پیشانی‌های آنها اثر گذاشته است؛ شیران در روز و راهبان در شب‌اند...»^۳.

۱۱. **همدلی؛** امام علی علیه السلام فرمود: «ایشان یکدل و هماهنگ هستند»^۴.

۱۲. **خواستار برکت؛** از امام صادق علیه السلام آمده است: «آنان بر فراز اسب‌های خود دست برزین امام می‌کشند و تبرک می‌جویند»^۵.

۱۳. **عبادت الهی؛** امام صادق علیه السلام فرمود: «در دل شب، از خشیت خداوند، ناله‌هایی دارند مانند ناله مادران پسر مرده» و «شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند»^۶.

۱۴. **شجاعت؛** امام علی علیه السلام می‌فرماید: «همه شیرانی‌اند که از بیشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند کوه‌ها را از جا برمی‌کنند»^۷.

۱۵. **علم و بصیرت؛** امام علی علیه السلام می‌فرماید: «پس گروهی در آن فتنه‌ها صیقلی می‌شوند، مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را. دیده‌های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش‌هایشان جا گرفته است. در شب جام حکمت را به آنها

۱. همان، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۲. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۴. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۶. يوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۷. همان.

می‌نوشانند، بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند»^۱.

۱۶. **حق یآوری؛** امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به وسیله آنها، امام حق را یاری می‌کند»^۲.

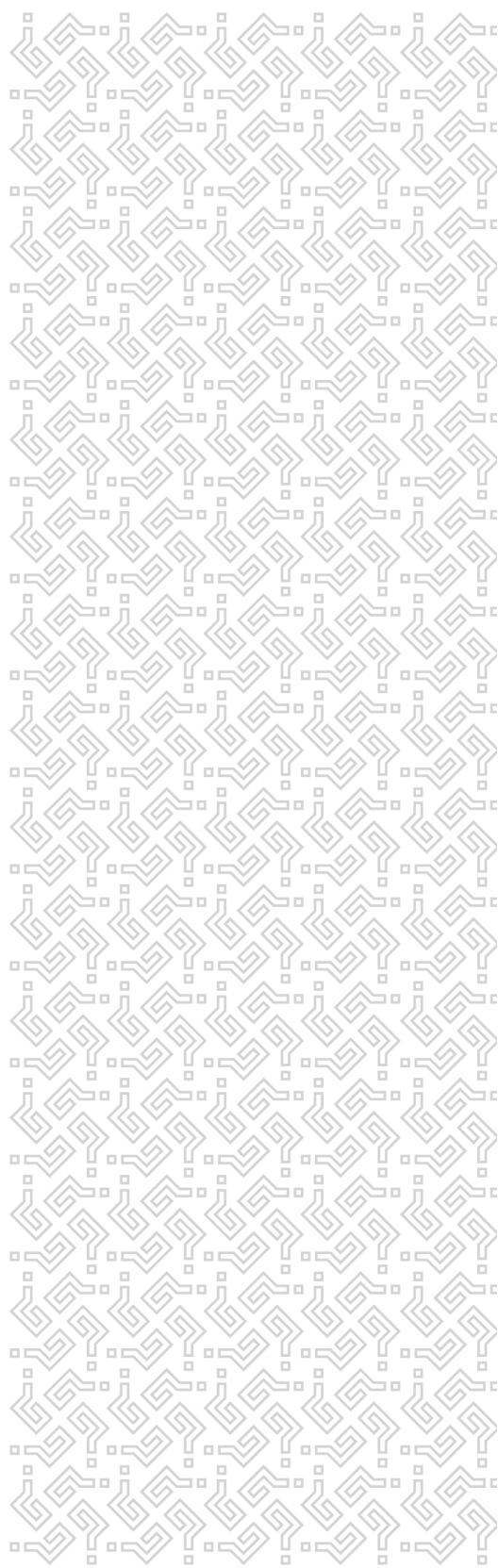
۱۷. **حکمت نورانی؛** از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «گویی دل‌های آنان مشعل نورانی است (کان قلوبهم القنادیل)»^۳.

با توجه به این روایات، روشن می‌شود که یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارای چنان ویژگی‌ها و اوصاف برتر و کم نظیری هستند که به حق در این مقام و موقعیت قرار گرفته‌اند و بدین جهت نقش مهمی در پیروزی آن قیام جهانی خواهند داشت.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

۲. همان، ص ۳۰۸.

۳. همان.



مهدویت (دوران ظهور)

عَلَّاهُ تَعَالَى
رَبِّهِ الشَّرِيف

دوران ظهور امام زمان

رشد عقلی در عصر ظهور

پرسش ۱۱

اینکه در حدیث می‌فرماید: «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را کامل می‌کند» یعنی چه؟ منظور از دست گذاشتن بر سر بندگان خدا به چه معناست؟

این روایت از امام باقر علیه السلام در کتاب الخرائج و الجرائع راوندی و بحارالانوار نقل شده است که آن حضرت می‌فرماید:

«إذا قام قائمنا^۱ وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به اخلاقهم»^۱.

براساس این روایت، عقول و افکار مردم متمرکز و شکوفا و اخلاق آنان کامل می‌شود.

در تبیین این کلام شگفت‌انگیز، باید گفت: منظور این نیست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر سر تک تک انسان‌ها دست می‌کشد و پس از آن عقول مردم کامل می‌شود، هر چند آن حضرت به یقین از ولایت تکوینی خود استفاده کاملی می‌کند و با نفوذ در دل و جان و عقل مردم و هدایت‌های پیامبر گونه خود، آنان را هدایت و راهنمایی می‌کند. مقصود از «دست» در این روایت، دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است. کلمه «ید» به معنای «دست» در زبان عربی، مفاهیم و مصداق‌های گوناگونی دارد. یکی از معانی ید، «نعمت و رحمت» است^۲.

۱. الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۸۴۱، ح ۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۱.

۲. مفردات راغب، ص ۸۸۹.

در این صورت معنا چنین می شود: «در زمان ظهور حضرت مهدی با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می شود و همه آنان هدایت می یابند و به سر منزل مقصود (کمال) می رسند.

خداوند در قرآن کریم در مورد یکی از حکمت های نبوت می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْأَنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛

«پیامبر، زنجیرها و مشقت ها (جهالت و هواپرستی) را از آنها (مردم) بر می دارد...».

در این جا منظور از زنجیر و مشقت بندها و زنجیرهای مادی نیست؛ بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم با هدایت ها و تلاش های فراوان فرهنگی، آن را از انسان ها برطرف ساخت. در عین حال از هدایت های تکوینی ویژه نیز استفاده کرد و در دل و جان مردم مشرک و فاسد نفوذ معنوی داشت و تأثیرات عمیقی بر آنان گذاشت.

در عصر ظهور امام زمان نیز، تمام موانع و آفت های رشد و تعالی عقلانی انسان ها از بین می رود و عقول آنان به حد بالایی از شکوفایی و رشد نایل می گردد. در این جا حضرت مهدی ادامه دهنده راه پیامبران و تکمیل کننده برنامه های آنان - به خصوص پیامبر اسلام ﷺ - است.

این موضوع از مهم ترین برنامه ها و اقدام های امام ﷺ است. او از حقایق گسترده و جهانی برای بشریت پرده بر می دارد و مردمان را به دانش های یقینی و درست هدایت می کند و شناخت های ناب و خالص به ارمغان می آورد.

از این رهگذر دو محور اساسی تحقق می‌پذیرد:

۱. با گسترش شناخت و کشف اسرار کائنات، پایه‌های خداشناسی استوار می‌گردد.

۲. گسترش شناخت و دانایی، تشکیل جامعه مطلوب انسانی را ممکن می‌سازد، زیرا در پرتو شناخت درست مسائل حیات و بخش‌های گوناگون آن، مسائل تربیت، رشد و تکامل معنوی و مادی و آغاز و انجام کار انسان، شیوه‌ها و روش‌های اداره زندگی، تأمین و تنظیم خانواده و... بخش‌های زندگی در همه ابعاد به شایستگی اداره می‌شود و سامانی در خور می‌یابد. در پرتو علم و آگاهی از مسائل مادی و فیزیکی جهان، زیست این دنیای انسان بهبود می‌یابد و با شناخت مسائل معنوی و صلاح و سعادت روح انسانی، راه تکامل معنوی گشوده می‌شود و جامعه آرمانی، در بعد مادی و معنوی (رشد فکری و اخلاقی)، پدیدار می‌گردد.

این شناخت‌ها، همه در روزگار رستاخیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تحقق می‌یابد و نقطه‌های ابهام و تردید و سرگردانی محو می‌شود و به راه‌ها و روش‌های متعالی‌تر و بالاتری دست می‌یابد و شیوه‌های بهتری را در پیش می‌گیرد. بدین‌سان هر روز او و هر گام او، در همه مسائل حیات و ابعاد زندگی، گامی به پیش است و واپس‌گرایی و تکرار در آن راه ندارد و بدین‌گونه اهریمن جهل و نادانی و فساد طغیان، به سر پنجه توانای خداوند، از زندگی انسان بیرون رانده می‌شود جای آن را آگاهی، دانایی و روشنی و نور فرامی‌گیرد. چنان که در روایتی آمده است: «یملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً و برهاناً...»^۱؛ «مهدی» زمین را از عدل و نور و برهان آکنده می‌سازد.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«نهمین (امام از فرزندان حسین) قائم است که خداوند به دست او، سرزمین

تاریک (زندگی) را نورانی و روشن می‌کند و از عدل آکنده می‌سازد؛ پس از (دوران) ظلم، علم و دانایی را فراگیر می‌کند، پس از (دوران) جهل و نادانی...^۱.

بدین‌سان به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و با اذن و قدرت الهی، همه جامعه‌ها و انسان‌ها، از تاریکی نادانی، ظلم و فساد به روشنایی و نور دانایی، تقوا و اخلاق فاضله رهنمون می‌گردند.

براین اساس دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، تأمین معنویت، عقلانیت و عدالت را بر عهده دارد تا جامعه به سمت تعالی و تکامل، تعادل و پیشرفت سوق داده شود و این به ابزار و روش‌های مختلفی نیاز دارد.

مهم‌ترین آنها دعوت، راهنمایی و نصیحت است؛ هر چند معجزه و عنایت الهی نیز در میان خواهد بود و امام علیه السلام از ولایت تکوینی نیز بهره خواهد گرفت.

امکان رشد در عصر ظهور

پرسش ۱۲

تعالی و کمال انسان از شاهراه سختی‌ها،
بلا یا، فقر، نعمت و محیط فاسد می‌گذرد
حال آن که در حکومت حضرت از این مسائل
نشانه‌ای نیست؟

باید توجه داشت سختی و فقر و گرفتاری‌ها و... وسیله‌ای هستند، برای پیشرفت و رشد انسان البته آن هم به شرطی که انسان به خوبی از آنها بهره‌برداری کند. برخی بر اثر سختی و فقر نه تنها رشد نکرده‌اند؛ بلکه عقب‌گرد داشته و گاه از دین خارج شده‌اند! پس این مجموعه وسیله شدن به کمالند، نه این که خود هدف و کمال باشند.

اما این که در دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ گونه سختی، بلا و مشکل وجود نداشته باشد، فرض درستی نیست. جهاد پیگیر، تشکیل حکومت، رسیدگی به کارهای مردم و... همه و همه در آن دوران هم وجود دارد. بنابراین این گونه نیست که در آن دوران راحتی مطلق باشد و ناز نعمت و بخور و خواب به حدی است که انسان از رشد ایمانی، و شکوفایی عمل باز ماند؛ بلکه عدالت جهانی و فراگیر وجود دارد، تبعیض‌ها از بین می‌رود. امنیت در تمام ابعادش (فردی، اجتماعی، اقتصاد سیاسی و...) بر جامعه حاکم می‌شود، اما سختی نیز هست، چرا که متدینان و همراهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید او را در اداره جهان آن هم با عدالت فراگیر، یاری کنند. قطعاً در اداره جهانی به این گستردگی و وسعت مشکلات و... همه با معجزه حل نمی‌شود.

در رابطه با کمال انسان راه‌های بدیلی وجود دارد و مسئله مهم آن است که در هر شرایط از عوامل با دلیل استفاده کند. راه تکامل گاه از گردنه‌های سخت و دشوار بلاها و مصایب عبور می‌کند و گاه از دشت هموار نعمت‌ها، اما هیچ یک از این دو خود به خود رساننده به کمال نیستند. مهم آن است که در گاه سختی و نعمت انسان چگونه با آنها برخورد کند و در راه کمال آن را به کار گیرد.

آنچه در زمان استقرار حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می‌دهد، شرایطی هموار است که انسان‌ها در پناه آن می‌توانند با افزایش معرفت به اصلاح اخلاق و تهذیب نفس خویش، مدارج کمال و سیرالی الله را با سهولت بیشتری نسبت به شرایط پیشین طی کنند.



عدالت در عصر ظهور

پرسش ۱۳

عدالت در عصر ظهور چگونه و با چه ابعدی
محقق می شود و چرا عدالت موعود در
زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، در عصر اسلام
برقرار نشد؟

چگونگی تحقق عدالت در عصر ظهور نیز بحثی بسیار مهم و در خور توجه
است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با ابزار و شیوه های مختلفی عدالت فراگیر را محقق
می سازد. خداوند متعال، از این ابزار سخن می گوید. اولین اقدام و راه تمامی
پیامبران برای ایجاد قسط و عدل، کار فرهنگی و روشنگری است.
﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾^۱

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز با اقدامات گسترده فرهنگی و تربیتی، به رشد فکری و
اخلاقی جامعه دست می زند و جامعه مرده را احیا می کند. آن گاه قرآن با توجه
به اهمیت قانون عدل، از کتاب و میزان سخن به میان می آورد.
﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾^۲

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به یقین به کمک آموزه های متعالی قرآن و دستورات
عدالت محور اسلام، به اداره حکومت جهانی می پردازد و با قوانین و سیره
عادلانه، جهان را آکنده از عدل و داد می کند. در مرحله سوم، از قدرت سلاح و
نیروی نظامی با تعبیر ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾^۳ یاد کرده است.

۱. حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

۲. همان.

۳. همان.

امام در این مرحله با شدت تمام به مقابله ستمگران و بیدادگری می‌پردازد و ریشه ظلم و ستم را برمی‌اندازد.

امام باقر علیه السلام با توجه به اهمیت سه عنصر فوق برای ایجاد عدالت می‌فرماید:

«امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست، از ما است»^۱.

در این روایت، از اجرای عدالت بحث شده است؛ زیرا پیشوایی می‌تواند به طور کامل قسط و عدل را در جامعه اجرا و جامعه را به سوی کمال رهبری کند که سه نیروی دانش، قانون و قدرت را داشته باشد^۲ (آن هم با عدالت و دادگری). باید دانست که تفاوت عمده میان مکتب اسلام با سایر مکاتب در این جهت (عدالت) این است که اسلام، معنویت را پایه و اساس عدالت می‌شمارد. حساسیتی که اسلام در زمینه عدالت و ترکیب آن با معنویت اسلامی از خود نشان می‌دهد در هیچ مکتب دیگری نظیر و مانند ندارد^۳.

■ چرایی عدم تحقق عدالت

براساس سنت الهی، هر یک از انبیاء و اولیاء با ویژگی‌های خاص خود با مأموریتی ویژه در زمینه اجتماعی منحصر به فرد خود، حضور یافته و به هدایت مردم پرداخته‌اند. اینان براساس منطقی معین و مقصدی واحد، هدایت‌گر مردمی بوده‌اند که در سیستم‌های اجتماعی گوناگون می‌زیسته‌اند و همه علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری، رسالتی واحد داشته‌اند. منتها در برابر حوادث گوناگون، برخوردهای متفاوتی داشته و راه کارهای متنوعی برای نجات بشریت معرفی کرده‌اند. بنابراین تفاوتی میان حکومت و سیره انبیاء و اولیای الهی وجود ندارد.

یکی از اغراض اصلی بعث انبیاء، تشکیل جامعه ایده آل براساس خداپرستی و ارزش‌های الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده و هر کدام در حد

۱. چشم‌اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۷۸.

۲. رک: فصلنامه انتظار، ش ۱۴، ص ۸۲ و ۸۳.

۳. رک: شهید مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۵۳.

امکان قدمی در این راه برداشته‌اند و بعضی از آن‌ها توانسته‌اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی حکومت الهی را برقرار سازند، ولی برای هیچ یک از ایشان شرایط حکومت عدل جهانی، فراهم نگشت. البته فراهم نشدن چنین شرایطی به معنای نارسایی تعالیم و برنامه‌های انبیاء و یا نقص مدیریت و رهبری ایشان نبوده و نیز به معنای تحقق نیافتن هدف الهی از بعثت ایشان نمی‌باشد زیرا هدف الهی فراهم شدن زمینه و شرایط برای سیر و حرکت اختیاری انسان‌ها است.

﴿لَئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾؛

نه الزام و اجبار مردم بر پذیرفتن این حق و پیروی از رهبران الهی و این هدف تا این اندازه تحقق یافته است. اما در عین حال خداوند متعال وعده تحقق حکومت الهی را در تمامی کره زمین داده است که می‌توان آن را نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش حق در سطح وسیعی از جامعه انسانی به حساب آورد که با استفاده از افراد و گروه‌های بسیار ممتاز و مدهای غیبی الهی، موانع تشکیل حکومت جهانی از سر راه برداشته شده عدل و داد به نفع توده‌های ستمدیده مردم - که از بیداد ستمگران به ستوه آمده و از همه مکتب‌ها و رژیم‌ها ناامید شده‌اند - گسترش خواهد یافت. اما این شرایط نه در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاصل بود و نه در زمان ائمه دیگر و نه حتی اکنون. در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ایشان نهایت تلاش‌شان این بود که دین تازه را تبیین و ارکان آن را تقویم بخشند. علاوه بر آن که مخالفت مخالفان نگذاشت حتی الگوی مدینه النبی فراتر از این شهر رفته و عدالت حتی در جزیره العرب مستقر گردد، چه رسد به ممالک دیگر و همه کره زمین.

بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز علاوه بر آن که تلاش ایشان در بدنه حکومت تداوم نیافت تا شرایط تبلیغ اسلام در سرزمین‌های گسترده‌ای فراهم آید، بلکه حکومت

از مجرای حق خود خارج گشت و نابسامانی‌های فراوانی در ممالک اسلامی پدیدار شد که نمی‌توان در این مجال اندک حتی آنها را شمارش کرد. حضرت علی علیه السلام نیز که بالاجبار مسئولیت حکومت را پذیرفت، چنان با مشکلات داخلی و تحریفات و تبعیضات و انحرافات مواجه شد که در دوران حکومت چند ساله اندک خود نتوانست آن‌طور که خود می‌خواست عدالت را در محدوده قلمرو مرکز حکومت خود محقق سازند، چه رسد به ممالک دیگر!! در واقع امام علی علیه السلام پس از ۲۵ سال با جامعه‌ای مواجه شد که در آن، عامه مردم مشتاق احیای تمدن نبوی بوده و او را به مثابه رهنمایی مسیر بازگشت به دوران درخشان گذشته برگزیدند؛ اما طبقات نخبگان و هیئت‌ها و مسائل گوناگون، مسیرهای متفاوت و گاهی بسیار منحرف را در پیش پای عامه مردم می‌گذاشتند. اهتمام به احیای جامعه عدل در چنین وضعیتی، بدون برخورداری از قدرت نظیر و قاطع وحی و همزیستی با مردمی که کورکورانه از رؤسای مزدورقبایل خود تبعیت می‌کنند و در جست و جوی حق، به باطل دست می‌یابند و در جهل مرکب غوطه‌ور می‌گردند، برای امامی که جز هدایت مردم دغدغه‌ای برای حاکمیت ندارد، شرایطی طاقت فرسا ایجاد می‌کند!! وضعیت در دوران سایر ائمه نیز روشن است و آنان در موقعیتی قرار گرفتند که جامعه پذیرای عدالت واقعی نبود. اما وضعیت در عصر ظهور مهدی بسیار متفاوت از گذشته خواهد بود و حکومت در دست صالحان و حق طلبان قرار خواهد گرفت و مردم همراهی لازم را با حکومت جهانی خواهند داشت.

به قول یکی از نویسندگان: «آنچه مسلم است، شهر عدل موعود، شهر عدالت پایدار است؛ شهر بلوغ یافتگان، شهر مردمی که حق را می‌جویند و باطل را وا می‌گذارند. مردمی که بر ارزش حیات در این مدینه وقوف یافته‌اند. مردمی که از پیروی چپ و راست به سته آمده‌اند و دیگر در زیر پرچمی به جز بیرق حق گرد هم نمی‌آیند! امیدشان فقط و فقط تحقق امر خداوند است؛ خلافت در

شهری زیبا و مقید به اصول عقلانی شهر پایداری و جاودانگی جامعه عدل را ضمانت می‌کند. شهری که در آن رفتار عامه مردم، منطبق با رفتار امام آنها است. مردمی که امام خود را به درستی می‌شناسند و چون او رفتار می‌کنند. آنان همراه و هم گام با امام خویش، خلافت زمین را جملگی به ارث می‌برند و کمترین امتیاز طبقاتی میان آنان رایج نیست...»^۱.

آیا درست است که با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف،
دین جدیدی آورده می شود؟!

از آنچه که ما در بعضی روایات می بینیم آمده است:
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اذا خرج القائم یاتی بامر جدید و کتاب جدید و سنه جدید و قضاء جدید»؛
«هنگامی که قائم ظهور می کند، فرمان نو، کتاب نو، روش نو و دادگاه (قضای)
نو می آورد».

در حدیث دیگری نیز آمده است:

«اذا قام القائم جاء بامر جدید کما دعا رسول الله فی بدو الاسلام الی امر
جدید»؛^۱ «هنگامی که قائم قیام می کند، امری جدید می آورد، همان گونه که
رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد».

حال ممکن است این پرسش به میان آید که منظور از امر، کتاب، روش و
قضای جدید و نو چیست؟ آیا چیزی غیر از کتاب و قضای فعلی می آورد؟!
در پاسخ گفتنی است: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب
مهدی یک دگرگونی اساسی است، نه روبنایی. از این رو جامعه خیال می کند،
چیز جدیدی غیر از آیین فعلی است؛ در حالی که اسلام واقعی را بیان می کند.

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۸۳؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۳۵، ح ۲۲.

۲. ارشاد مفید، ح ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ح ۲، ص ۴۶۵.

مشکلات کاستی‌هایی که در عصر حاضر و قبل از ظهور دیده می‌شود، عبارت است از:

۱. احکام و معارف و فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، در گذشته به علی (مانند پایین بودن سطح فرهنگ مردم و یا نبود زمینه آن) بیان نشده است.

۲. تعالیم و احکامی از قرآن و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است و برای مسلمانان ناآشنا است.

۳. اصول و احکام فراوانی دچار تحریف و دگرگونی معنوی یا موضوعی گشته است.

این تحریفات، توجیه‌ها، تاویل‌ها، انحراف‌ها و پی‌ریزه‌ها بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید می‌کند و ساخته‌های ذهنی مدعیان دین به عنوان باورهای دینی ترویج می‌شود!!

۴. بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم بیان می‌شود که روح اسلام ناب از آنها بی‌خبر است!!

این پی‌ریزه‌ها و بدعت‌ها، اسلام را طوری کرده که اگر امام آنها را از اسلام بزدايد و حقیقت دین محمدی را آشکار سازد، مردم عوام خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است، نه اسلام! در صورتی که اسلام واقعی همین است و امام آموزه‌های دین را مطابق اسلام اصیل مطرح می‌کند. او بدعت‌ها را باطل می‌کند و احکام خدا را همان گونه که صادر شده، ظاهر می‌نماید و حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می‌کند، از این رو است که چنین برنامه‌ای برای مردم تازگی دارد. البته آنچه که او می‌آورد، همان است که حضرت رسول الله و اهل بیت پیامبر بیان کرده‌اند و شیعه نیز آنها را از طریق عترت معصومین دریافت کرده است.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

«یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیه

و یستأنف الاسلام جدید»؛^۱ «(مهدی) بر طبق شیوه رسول خدا ﷺ رفتار می‌کند و آنچه از نشانه‌های گذشته باشد، از میان می‌برد، همان‌گونه که پیامبر نشانه‌های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن ساختن بدعت‌ها، اسلام را از نو پیاده می‌کند».

هم چنین آمده است:

«لایترک بدعه الا ازالها و لا سنه الا اقامها»؛ «هیچ بدعتی نیست، مگر آن که (مهدی) آن را (از پیکر اسلام) می‌زداید و هیچ سنتی نیست، جز این که آن را برپا می‌دارد».^۲

درباره کتاب تازه نیز باید دانست که این مسئله، به معنای آوردن قرآن دیگر نیست، بلکه آن حضرت اهداف و برنامه‌های اصیل قرآن را بیان کرده و تفسیر واقعی آیات را بیان خواهد نمود:

«لو قد قام قائمنا... استأنف بکم تعلیم القرآن و شرایع الدین و الاحکام و الفرائض کمال انزل الله علی محمد ﷺ»؛ «وقتی قائم ما به پا خیزد... و سخنگوی ما سخن بگوید، قرآن و احکام دین را همان‌گونه که بر پیامبر نازل شده است از نوبه شما می‌آموزد».^۳

پس این درست نیست آن حضرت دین جدیدی می‌آورد، بلکه او همه را به دین واقعی و سیره و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت پاک او دعوت می‌کند و حتی در قضاوت و حکم رانی نیز چنین عمل می‌کند؛ هر چند برای دیگران تازه باشد. البته شکل حکومت آن حضرت (حکومت جهانی)، نحوه اداره جهان، تحقق برنامه‌ها و اهداف والای پیامبران و اولیا، بهبود کامل وضعیت مردم، گسترش توحید و یکتاپرستی در جهان، حاکمیت عدالت و قسط و انتخاب افراد بسیار شایسته و کاردان برای حکومت و... بی‌نظیر و بی‌مانند است.

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۰، ج ۱۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۳۶؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶، ح ۶۲۸؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۷.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«زمین با نور پروردگار روشن می شود و در زمین مکانی باقی نمی ماند که در آن غیر خدا عبادت شود... و کنه دین برای خدا است، هر چند کافران را بد آید»^۱.

در حدیثی آمده است:

«زندگان آرزو می کنند که مرده ها می دیدند عدل و اطمینان و خیر بسیاری را که خداوند به ساکنان زمین رساند»^۲.

«خداوند به دست قائم زمین را زنده می کند... زمین زنده می شود و مردم آن حیاتی نوین می یابند، بعد از مرگشان»^۳.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۵.

۲. بشارة المصطفی، ص ۲۵۰؛ آثار الصادقین، ج ۲۹، ص ۲۶۸.

۳. بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۳۲۵.

آیا وقتی که امام زمان ظهور می‌کنند،
تمام مردم مسلمان می‌شوند یا این که
کافرو پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم
وجود خواهد داشت؟

برای تشکیل جامعه واحد و فراگیری حکومت جهانی، یک موضوع ضروری است و آن جهان بینی واحد و اعتقاد واحد است. باید نگرش و جهان بینی واحدی بر جامعه حاکم باشد تا انسجام و وحدتی خلل ناپذیر در جامعه پدیدار گردد. براین اساس است که در دوران ظهور و روزگار دولت مهدوی، جهان بینی واحدی بر جهان حاکم و راه و روش و برنامه‌ها نیز یکی می‌گردد و یکپارچگی واقعی در عقیده و مرام پدید می‌آید و مردمان همه یکدل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می‌کنند. ناسازگاری و دوگانگی در اندیشه‌ها و عقیده‌ها نیست؛ چنان که در راه و روش‌های اجتماعی نیز اختلاف و چندگانگی دیده نمی‌شود.

امام صادق علیه السلام به صراحت به این مطلب اشاره فرموده است:

«افواله لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یكون الدین كله واحدا کما قال جل ذکرة ان الدین عندالله الاسلام»؛ «به خدا قسم!... ناهم‌انگی و اختلاف مذاهب و ادیان از بین می‌رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می‌کند؛ چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده است: به راستی دین در نزد خدا، اسلام است»^۱.

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با این اصل اساسی و زیربنایی (وحدت عقیده) در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی‌مانند دست می‌یابد و همه علل و عوامل ناسازگاری و برخورد و اختلاف را نفی می‌کند. راه و روش او، بر قانون جاودان حق و عدل و یکتا پرستی استوار و با فطرت و سرشت انسان‌ها، هماهنگ و سازگار می‌باشد. او وحدتی واقعی را براساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزد و همه انسان‌ها را در زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می‌آورد.^۱

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«تمام خیر در این روزگار است؛ در آن زمان قائم ما قیام می‌کند و همه را بر (محور) یک مرام و یک عقیده گرد می‌آورد (ثم یجمعهم علی امر واحد)»^۲.

با این حال ممکن است گفته شود: براساس بعضی از آیات و روایات، یهود و نصارا از بین نمی‌روند و تا قیامت باقی هستند؛ پس این اسلام نمی‌تواند فراگیر شود؟!

در این رابطه باید گفت که ما با سه دسته از آیات و روایات رو به رو هستیم؛
۱. دسته اول آیات و روایاتی است که ظاهر آنها، وجود غیرمسلمانان در دوران حکومت حضرت است؛ مانند:

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ... وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَّةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۳؛
«یهود گفته دست خدا بسته است... (پس) کینه و دشمنی را تا قیامت میان آنان افکندیم».

مشابه این آیه درباره مسیحیت نیز آمده است:

«وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَّةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۴.

در این آیات، دشمنی و کینه توزی تا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شده و

۱. ر.ک: عصر زندگی، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۶.

۳. مائده (۵)، آیه ۶۴.

۴. همان، آیه ۱۴.

نیز برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمده است.^۱ و مقتضای ظاهر آیات این است که دین یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند.

از بعضی از روایات نیز همین مضمون استفاده می‌شود: «ابی بصیر می‌گوید: که به امام صادق علیه السلام گفتم: در دوره حضرت مهدی علیه السلام با اهل ذمه (یهود و نصارا) چگونه رفتار می‌شود؟ فرمود: «با آنان از سرآشتی و مسالمت رفتار می‌کند؛ همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان از سر مسالمت رفتار کرد (یسالمهم کم سالمهم رسول الله)»^۲. به هر حال از ظاهر اینها به دست می‌آید که یهود و نصارا نیز در عصر ظهور وجود دارند و تحت حکومت حضرت مهدی علیه السلام زندگی می‌کنند.

۲. دسته دوم روایاتی است که اشاره دارد امام علیه السلام در همه جا دین اسلام را برپا خواهند کرد و همه مردم مسلمان خواهند شد. هیچ خانه‌ای در شهر و بیابان نمی‌ماند مگر این که توحید در آن نفوذ می‌کند. اسلام به صورت یک آیین رسمی، همه جهان را فرا خواهد گرفت. حکومت به صورت یک حکومت اسلامی در می‌آید و غیر از قوانین اسلام، چیزی بر جهان حکومت نخواهد داشت. در این زمینه به چند روایت اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی قائم ما قیام کند. اهل هیچ دینی باقی نمی‌ماند مگر این که اظهار اسلام می‌کنند و با ایمان مشهور و معروف می‌گردند»^۳.

«لیدخلن هذا الدین ما دخل علیه اللیل»^۴؛ «تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، دین اسلام نفوذ خواهد کرد».

در آن عصر، شرک و کفر و پلیدی رخت برمی‌بند و آموزه‌های متعالی اسلام به همه جای جهان ابلاغ خواهد شد: «بی‌تردید آیین محمد صلی الله علیه و آله به هر نقطه‌ای که

۱. آل عمران (۳)، آیه ۵۵: «جَاعِلَ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۵.

۴. منتخب الاثر، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

شب و روز می‌رسد، خواهد رسید و دیگر اثری از شرک روی زمین نمی‌ماند (لیبلغن دین محمد ما بلغ الليل والنهار)^۱.

در آن عصر دین برتر و مسلط اسلام خواهد بود و یهودیان، مسیحیان و... همه آن را خواهند پذیرفت: «به درستی خداوند هنگام قیام قائم عجل الله تعالی فرجه اسلام را بر تمامی ادیان برتری خواهد داد»^۲.

و نیز «هیچ یهودی و مسیحی و صاحب دینی باقی نمی‌ماند، مگر این که داخل اسلام شده باشد (لایبقی یهودی و لانسرائی و لاصاحب مله الا دخل فی الاسلام)»^۳.

امام علیه السلام چندگانگی و اختلافات دینی را بر طرف می‌کند و وحدت عقیدتی در سایه اسلام به وجود می‌آورد:

«یرفع المذاهب فلا یبقی الا الدین الخالص»^۴: «همه ادیان و مذاهب از روی زمین برداشته می‌شود و جز دین خالص باقی می‌ماند».

۳. بر اساس دسته سوم روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ابتدا همگان را به دین اسلام دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که همگان با رغبت و بصیرت، آن را بپذیرند و در صورت سرپیچی و باقی ماندن در کفر و ضلالت، برخورد شدیدی با آنان می‌کند.

عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...»^۵ فرمود:

«آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شد، دین اسلام را بر یهود، نصارا، صائبین و کفار شرق و غرب عرضه می‌دارد، پس هرکس با میل و اختیار اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می‌کند

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۳۳؛ بنایع المودة، ج ۲، ص ۵۰۸.

۳. منتخب الاثر، ص ۳۹۳، ج ۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۱، ح ۵۹.

۴. يوم الخلاص، ح ۲، ص ۶۴۹؛ بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

۵. آل عمران (۳)، آیه ۸۳.

و هر کس از قبول اسلام امتناع ورزد، گردنش را می‌زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند»^۱.

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

«... خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می‌کند؛ آن قدری می‌جنگد تا این که جز دین محمد، دینی باقی نماند»^۲.

«قائم عجل الله تعالی فرجه هر منافق شکاکی را به قتل می‌رساند»^۳.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم قیام کند، هیچ کافر و مشرکی پیدا نمی‌شود، مگر این که قیام او را انکار کرده و ناپسند می‌شمرد، ولی کار به جایی می‌رسد که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت پنهان شده باشند، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن در شکم من کافر است، مرا بشکن و او را بکش»^۴.

با توجه به این احادیث، همه مردم جهان، اسلام را می‌پذیرند و البته عموم آنان با علاقه و رغبت مسلمان می‌شوند و منافقان و کافران نیز با الزام حکومتی، اسلام را می‌پذیرند؛ قرآن نیز به این مطلب اشاره فرموده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۵.

■ جمع بندی روایات

این چند دسته از روایات و آیات، مربوط به دوره‌ها و مراحل مختلف حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است:

دسته اول اشاره به سیره و روش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در ابتدای ظهور دارد و دسته دیگر، اشاره به دوره تحکیم و تثبیت حاکمیت آن حضرت.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۲. همان، ص ۳۹۰.

۳. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴.

۵. توبه (۹)، آیه ۳۳.

توضیح اینکه امام علیه السلام در ابتدای ظهور، تنها کافرانی را که به ظلم و فساد در زمین مشغول اند، سرکوب می‌کند و یا ملزم به پذیرش اسلام و قوانین حیات بخش آن می‌کند.

امام با کافرانی که از ظلم و جور و فساد به دوراند و پذیرای حکومت دادگستر ایشان هستند، همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سر مسالمت رفتار می‌کند و از آنان جزیه (مالیات مخصوص) می‌گیرد و به تدریج با برقراری عدل و فراگیری آن در سراسر زمین و از بین بردن باطل‌ها و بدعت‌ها و آشکار شدن نشانه‌ها و آیات حق، حجت‌های روشن الهی بر مردم، تمام می‌شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند و در آن دوره مردم مسلمان خواهند شد و کفر و شرک مصداق روشن ظلم و تجاوز از حق خواهد بود که جایی در حکومت الهی مهدی عجل الله تعالی فرجه ندارد و باید از اساس حذف گردد.

حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى»^۱ به فضل فرمود: «ای مفضل! اگر پیامبر بر همه دین‌ها غالب شده بود، از آتش پرستان، یهودیان، نصارا، ستاره پرستان و از تفرقه، نفاق و شرک اثری نبود. این که خداوند فرموده ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۲ مربوط به روز ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه است»^۳.

■ وضعیت اهل کتاب (یهود و نصار)

با توجه به مطالب پیش گفته، مانعی ندارد که بگوییم: اقلیتی از یهود و نصارا در پناه حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه با شرایط اهل ذمه وجود داشته باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«وقتی قائم قیام کند، میان اهل تورات به تورات و میان اهل انجیل به انجیل حکم می‌کند و میان اهل زبور به زبور و میان اهل قرآن به قرآن...» می‌توان گفت اینها مربوط به مراحل آغازین ظهور است، ولی تکامل بشر به حدی

۱. توبه ۹، آیه ۳۳.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

می‌رسد که همگان موحد و مسلمان می‌شوند و یا حداقل آنان از عقاید شرک آلود خود (مانند تثلیث و این که خدا پسر دارد و...) دست بردارند تا مدتی تحت حکومت اسلامی به زندگی خود ادامه می‌دهند.

درباره آیات مربوط به وجود یهود و نصارا تا قیامت می‌توان گفت: منظور از ادامه زندگی، می‌تواند مربوط به دوره آخرالزمان باشد و به جهت نزدیکی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و برپایی قیامت و با یک تعبیر از آن یاد شده است؛ چنان که بسیاری از علایم آخرالزمان و علایم برپایی قیامت یکسان باشد. بنابراین یهود و نصارا تا آن دوران هستند و با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و اقتدای حضرت مسیح علیه السلام به ایشان، پیروان حق طلب ادیان با حق آشنا می‌شوند و همه زیر پرچم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه می‌آیند.

حکومت جهانی در عصر ظهور

پرسش ۱۶

چگونه امام مهدی بر دولت‌ها پیروز می‌شود و این تعداد جمعیت جهان تسلیم او می‌شوند؟ آیا چنین چیزی امکان دارد که بر چندین میلیارد انسان، تسلط یابد و در برابر این همه دشمن پیروز از میدان به درآید؟

پیروزی و غلبه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و تشکیل حکومت جهانی، ممکن است به‌طور اعجاز و خرق عادت انجام یابد و ممکن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود؛ چنان‌که پیشرفت و غلبه پیامبر اکرم و قوای اسلام بر هر دو نوع بود. بر این اساس مؤلفه‌ها و عوامل زیر در پیروزی سریع و قاطع آن حضرت نقش دارد:

■ یک. ناگهانی بودن قیام

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له زمانی ظهور می‌کند که دشمن در غفلت و بی‌خبری قرار دارد و با قیام ناگهانی ایشان (بغته)، غافلگیر شده و پیروزی‌های سریعی به‌دست خواهد آورد. در توقیع شریف حضرت آمده است: «پس همانا امر ما به‌طور ناگهانی خواهد بود»^۱.

■ دو. اصلاح سریع کارها با امدادهای غیبی

طبق روایات خداوند، حجت خود را در قیام بزرگ و شکوهمندش یاری می‌دهد و با انواع امدادهای غیبی، پیروزی او را آسان و کارهایش را سریع اصلاح می‌کند.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۶.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«مهدی از ما اهل بیت است خداوند (امر) او را در یک شب اصلاح می‌کند»^۱.

موارد امدادهای غیبی خداوند عبارت است از:

۱. ایجاد ترس در دل دشمنان

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاری شده با ترس (مؤید بالرعب) است؛ یعنی خداوند چنان رعب و ترس او را در دل دشمنان می‌اندازد که قدرت هر عکس‌العمل شدید و سفاکانه را از آنها سلب می‌کند، حتی ترس از سپاهیان آن حضرت، یک ماه جلوتر از حرکت آنها بر دشمن حاکم می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند... مهدی را به سه لشکر تأیید می‌کند... و رعب (بی‌پایه) ثلاثه اجناد...

الرعب»^۲.

۲. یاری شده با فرشتگان

از جمله تأییدات و امدادهای غیبی الهی، کمک فرستادن ملائک برای یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهاد آنان همراه با حضرت است. در روایتی آمده است:

«خداوند او را به سه هزار ملائکه یاری خواهد کرد...»^۳.

«هنگامی که قائم آل محمد ظهور نماید، خداوند او را به وسیله گروه‌های فرشتگان نشاندار، پیایی، فرود آورده شده و مقرب (بالملائکه المسمومین و المردفین و المنزلین و الکرویین) یاری خواهد کرد. جبرئیل، فرشته امین و وحی، پیشاپیش آن حضرت و میکائیل سمت راست و اسرافیل سمت چپ او خواهد بود. ترس و رعب به مسافت یک ماه، پیشاپیش و سمت راست و طرف چپش حرکت خواهد کرد و فرشتگان مقرب در کنار او خواهند بود»^۳.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۱۵.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۹۸.

۳. همان، ص ۲۳۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۳. یاری شده با نیروهای طبیعی

برای حضرت قائم حتی زمین نیز مهیا و آماده می‌شود (تطوی له الارض)^۱ براین اساس ممکن است خداوند به وسیله نیروهایی چون باد و دیگر نیروهای طبیعت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل را یاری رساند؛ چنان‌که همه نیروهای طبیعت (باد و صاعقه و...) مسخر حضرت سلیمان علیه السلام بودند. با تسلط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل به نیروهای طبیعت و تصرف در آنها با اذن الهی، پیروزی‌هایی نصیب ایشان خواهد شد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«... (وقتی) قائم ما مهدی ظهور کند، تمام مشرکان در روی زمین محو می‌شوند، تا جایی که سنگ به سخن می‌آید و به مؤمن می‌گوید: ای مؤمن! درون من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان»^۲.

■ سه. توانمندی و فرماندهی بی‌نظیر امام عجل الله تعالی فرجه الدجیل

یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الدجیل، صلابت، شجاعت و رهبری بی‌نظیر آن حضرت در جهاد با دشمنان دین حق است. آن حضرت در این مصاف سرنوشت‌ساز هم از توانمندی و نیروی جسمی و شخصی برخوردار است و هم در مدیریت و فرماندهی نظامی، مقتدرانه و قاطعانه برخورد می‌کند.

امام رضا علیه السلام در مورد ایشان می‌فرماید:

«قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند، در سن پیران است، ولی به نظر جوان می‌آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد و اگر میان کوه‌ها فریاد برآورد، صخره می‌شکند و از جا کنده می‌شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه او است»^۳.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۲۹، ح ۱۱.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۴.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«پدرم فدای فرزند نیکوترین کنیزان که (ظالمان و کافران) را خوار و ذلیل خواهد کرد و جام زهراآگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر با آنان برخورد خواهد کرد»^۱.

■ چهار. یاری مؤمنان و صالحان

بسیاری از مسلمانان، از پیشتازان و پیشگامان ملت‌هایی هستند که به گرد آن خورشید جهان افروز حلقه می‌زنند و زیر پرچم او قرار می‌گیرند و به یاری می‌شتابند. مهم‌ترین اینان ۳۱۳ تن از یاران خاص و آن گاه ده هزار نیروی زبده رزمی و... است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«۳۱۳ تن از یاران حضرت با او بیعت می‌کنند، ولی حضرت در مکه می‌ماند تا عدد یاران به ده هزار تن برسد، آن گاه به طرف مدینه حرکت می‌کند»^۲.

■ پنجم. تسلیم شدن مسیحیان

براساس روایات فراوان، حضرت عیسی علیه السلام به هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له از آسمان فرود می‌آید و به آن گرمی اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌گذارد. هم چنین فرماندهی سپاه حضرت را به دست می‌گیرد و در سرکوبی دشمنان به امام یاری می‌رساند. پس از این واقعه، همه مسیحیان به دستور او زیر پرچم امام عصر عجل الله تعالی فرجه له وارد می‌گردند و اسلام واقعی را می‌پذیرند و از طرفداران امام عصر می‌شوند. البته می‌دانیم که زمامداران و ملت‌های اروپا و آمریکا و بخشی از قاره آفریقا مسیحی‌اند و تسلیم شدن آنان، نقش بسزایی در پیروزی حضرت و بر داشته شدن موانع دارد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که ده هزار پیکارگر آگاه، گرد آن حضرت آمدند، دیگر یهودی و

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۲۹، ح ۱۱.

۲. منتخب الاثر، ص ۶۸۴.

مسیحی یافت نمی‌شود، جز این که به او و قیام جهانی‌اش ایمان می‌آورند و او را تصدیق می‌کنند»^۱.

روشن است که این دگرگونی عظیم، به سرعت در نظام‌های مختلف جهانی اثر عمیق خود را می‌گذارد و در تسلیم شدن آنان نیز نقش خواهد داشت.

■ شش. جنگ‌ها و نابودی دشمنان قبل از ظهور

امام صادق علیه السلام فرمود:

«قبل از قیام قائم هر مرگی وجود دارد، مرگ سرخ و مرگ سفید، تا اینکه از هر هفت نفر، پنج نفر می‌میرند، مرگ سرخ کشته شدن است و مرگ سفید بیماری طاعون است»^۲.

«حضرت خروج نمی‌کند تا این که یک ثلث از مردم کشته شوند و ثلث دیگر از دنیا بروند و ثلث دیگر باقی بمانند»^۳.

بنابراین آنچه برخی روایات درباره کشتار فراوان ذکر کرده‌اند، مربوط به کشتارهای است که قبل از قیام حضرت به دست ستمگران واقع می‌شود از قبیل جنگ جهانی دوم، جنگ‌های خاورمیانه، جنگ‌های دجال و سفیانی، شیوع بیماری‌های مرموز و ...

■ هفت. استقبال همگانی و مردمی

ظهور امام مهدی علیه السلام زمانی اتفاق می‌افتد که مردم در مشکلات و سختی‌های فراوان هستند و با یأس از مکاتب بشری و حکومت‌های خود، در انتظار قیام منجی موعود به سر می‌برند. به همین جهت، در برابر امام مهدی علیه السلام، سر تسلیم و خضوع فرود می‌آورند و زمام امور خویش را به دست توانمند و کارگشای او می‌سپارند؛ بدان امید که نجات و نیک‌بختی بشریت را تضمین

۱. عبدالهادی الایبیری، العرائس الواضحه، ص ۲۰۹، قاهره به نقل از امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۹۶؛ و نیز رک: نور الابصار، ص ۱۵۵؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۷۶.

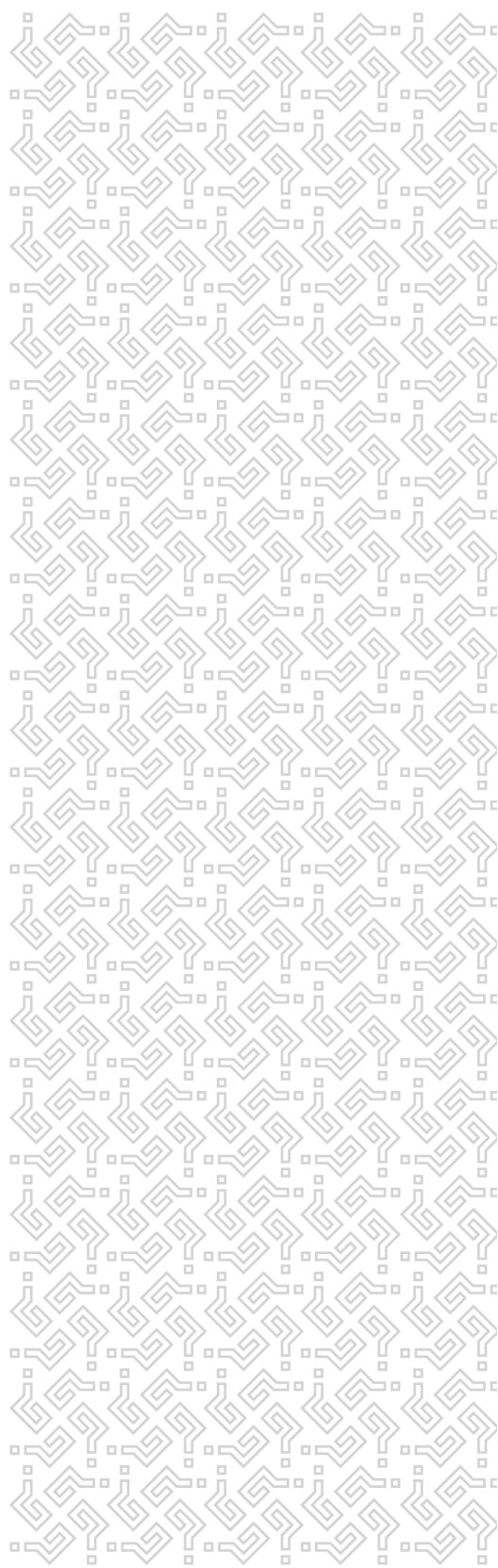
۲. معجم الملاحم و الفتن، ج ۴، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۷۵.

نماید. در عمل نیز چنین خواهد شد و آن حضرت ریشه فقر و ظلم، نابرابری، فساد و... را بر خواهد کند و حکام جور را عزل خواهد نمود. از طرفی خداوند محبت و عشق حضرت را در دل مردم خواهد افکند و آنان با او بیعت کرده و در گرد او جمع خواهند شد.

در روایتی آمده است:

«امت اسلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه مهر می‌ورزند و به سویش پناه می‌برند؛ آن چنان که زنبورهای عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند، عدالت را در پهنه گیتی می‌گسترانند و...»^۱.



مهدویت (دوران ظهور)

عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى
رَبِّهِ السَّمِيعُ

امكان ملاقات با امام زمان

ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پرسش ۱۷

آیا ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انسان‌های عادی هم امکان‌پذیر است یا خیر؟ آنچه که من مطالعه کرده‌ام، بیشتر موارد مربوط به کسانی است که مشکل یا گرفتاری برایشان پیش آمده و یا عده‌ای از خاصان توفیق آن را یافته و به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شتافته‌اند. حال به‌طور کلی نظر شما درباره امکان دیدار و ملاقات چیست؟

بحث ملاقات و دیدار با امام زنده - ولی غایب از دیده‌ها - حساس، مهم و پرجاذبه است. ابتدا باید بدانیم دورانی که در آن قرار داریم، دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین انتظار دیدار و ارتباط، امری برخلاف حکمت و مصلحت امر غیبت است.

بنابراین هر چند نعمت دیدار سیمای نورانی امام، نعمتی بسیار ارزشمند و یکی از الطاف الهی است؛ ولی اگر بنا بر مصالح و شرایطی، لازم باشد امام، غایب شود و پنهانی و در خفا زندگی کند و یا اینکه طلب دیدار خطری را متوجه آن حضرت کند؛ در اینجا باید راضی به قضای الهی شد و حفظ سلامتی امام را بر هر چیزی مقدم دانست. با توجه به این مقدمه احتمال دیدار آن حضرت، یا عدم امکان آن بررسی می‌گردد.

■ انواع ملاقات و مشاهده

رؤیت و دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند به چند شکل باشد:

۱. «رؤیت»، به معنای دیدن به دو صورت است:

الف. گاهی ایشان در جمعی و مراسمی شرکت می‌کند؛ مردم وی را می‌بینند؛ ولی نمی‌دانند که او، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ب. در هنگام مشاهده حضرت متوجّه نیستند؛ ولی بعد متوجّه و یا معتقد می‌گردند که آن شخصیت حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

۲. «فیض حضور»، به معنای دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سؤال و جواب؛ یعنی، افزون بر اینکه حضرت را دیده و شناخته است؛ از ایشان نیز سؤال کرده و با وی به گفت و گو پرداخته است. این مرحله و رتبه از همه بالاتر و ارزنده‌تر است.

۴. «شهود»، گاهی ممکن است؛ برخی بزرگان از راه سیر و سلوک و مکاشفه با حضرت ارتباط برقرار کنند.

۵. «دیدار در خواب»؛

■ دیدگاه‌ها در مورد ملاقات و مشاهده

درباره امکان دیدار یا مشاهده امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چند دیدگاه وجود دارد:

۱. انکار دیدار یا مشاهده؛

۲. پذیرش دیدار یا مشاهده؛

۳. امکان آن به صورت محدود و خاص (جمع بین دو نظریه).

هر یک از این دیدگاه‌ها، دارای ادله و شواهدی است که با توجّه به آنها، تنها می‌توان به صورت محدود و خاصی امکان دیدار را پذیرفت و توفیق تشرّف را شامل افرادی خاص دانست. در اینجا به بررسی اجمالی دلایل مخالفان و موافقان می‌پردازیم:

■ یک. دلایل مخالفان ملاقات

به نظر اینان، در عصر غیبت کبری، امکان دیدار، مشاهده و ارتباط با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد و برابر دستور آن حضرت، مدعی دیدار را باید تکذیب کرد. عالمان و بزرگانی چون شیخ مفید در المسائل العشرة فی الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی در الغیبة، فیض کاشانی در وافى، کاشف الغطا در رساله حقّ المبین و... این نظریه را پذیرفته و مستنداتى برای آن ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها توقیع شریف امام علیه السلام به علی بن محمد بن سمّری است.

در این توقیع امام می‌فرماید: «به نام خداوند بخشنده مهربان، ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادران دینی تو را در سوگ تو افزون کند. تو زندگی را شش روز دیگر بدرود خواهی گفت. کار خویش را سامان بخش و به کسی در مورد جانشینی خود [در نیابت خاصه] وصیت نکن که غیبت کامل کبری آغاز گردیده و ظهور جز به اذن الهی تحقق نیابد و آن، پس از مدتی دراز و قساوت دل‌ها و آکنده شدن زمین از جور و ستم خواهد بود. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده ما را داشته باشند، سخت دروغ‌گو و افترا زننده است» و...^۱.

براساس روایتی نیز حضرت در میان مردم زندگی می‌کند و آنان را می‌بیند و می‌شناسد؛ ولی مردم آن حضرت را نمی‌شناسند و این به معنای نفی ادعای رؤیت و دیدار است: «اگر زمین یک ساعت از حجت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد. حجت مردم را می‌شناسد؛ لیکن آنان او را نمی‌شناسند! همان‌گونه که یوسف مردم را می‌شناخت و آنان او را نمی‌شناختند»^۲. علاوه بر این روایات، ادله دیگری را نیز می‌توان در تأیید این دیدگاه ارائه کرد؛ از جمله:

۱. دیدار و مشاهده، منافی با غیبت و پنهان زیستی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و الزامات و بایسته‌های این دوران است. در این دوران امام ناشناس زندگی می‌کند و تنها بر اوضاع مردم اشراف دارد.

۲. این دیدارها و ارتباط‌ها، احتمال خطر جانی را برای حضرت به وجود می‌آورد و سلامتی و حفظ جان او را با خطر رو به رو می‌کند. اگر دشمنان اندک اطلاعی از این موضوع داشته باشند، به یقین علیه آن حضرت اقدام کرده و تهدیدی جدی خواهند بود.

۳. یکی از حکمت‌های غیبت و پنهان زیستی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امتحان شیعیان

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۶۰، ح ۷؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. الغیبة النعمانی، ص ۱۴.

است؛ چون بر اثر طولانی شدن غیبت، گروهی از مردم منکر وجود حضرت می شوند و از عقیده خود بر می گردند، اما این دیدارها و مشاهده ها، امکان امتحان شیعیان را از بین می برد و پنهان زیستی امام، تبدیل به زندگی نیمه حضوری می شود.

۴. این دیدارها و مشاهده ها، منجر به سوء استفاده عده ای کج فهم و سست ایمان می شود و هر کس از این نمد، کلاهی برای خود می دوزد و دگانی باز می کند، وجود این سوء استفاده ها - چنان که متأسفانه الان به عیان مشاهده می شود - منجر به نوعی هرج و مرج و رخنه در ایمان مردم می شود و هیچ راهی نیز برای مقابله با آن وجود ندارد.

۵. در سایه ادعاهای نادرست و گاهی شیطانه و بیان داستان ها و حکایات ضعیف و شخصی، انحرافات ایجاد و خرافاتی رایج می شود و پیامدهای سوئی به همراه دارد که در بعضی از مناطق و شهرها نمونه هایی از آنها مشاهده شده است.

۶. دیدار و ملاقات با اولیاء الله - به خصوص آنانی که در جامعه حضور مستقیم ندارند - لیاقت و شایستگی بالایی می خواهد که در بسیاری از مدعیان مشاهده، وجود ندارد.

۷. ترویج ایده دیدار و توصیه های مختلف جهت ملاقات و مشاهده، عدم گرفتن نتیجه مناسب جو یأس و بدبینی و ناامیدی ایجاد می کند.

۸. شیعیان وظیفه و تکلیفی برای دیدار امام غایب ندارند. بلکه مکلف به صبر و بردباری در این دوران و انتظار مثبت و سازنده هستیم.

■ دو. دلایل موافقان دیدار

بر اساس این دیدگاه، ملاقات و مشاهده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبری امکان پذیر است و منعی در آن نیست.

سید مرتضی می گوید: «ما قطع نداریم که دست کسی به امام نمی رسد و بشر نمی تواند او را ملاقات کند» و «... ممتنع نیست که امام برای برخی از دوستانش ظاهر گردد، کسانی که ترسی از آنان نیست»^۱.

۱. تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲ و ۱۸۴.

شیخ طوسی نیز تصریح می‌کند: «ما تجویز می‌کنیم که بسیاری از اولیا و قائلین به امامت او، به خدمتش رسیده و از او نفع می‌برند»^۱.
از نظر سید بن طاووس نیز: «گرچه امام الان از جمیع شیعیان غایب است؛ ولی ممتنع نیست که جماعتی از آنان به ملاقات حضرت مشرف شده، از گفتار و کردار ایشان استفاده کنند و از دیگران کتمان نمایند...»^۲.
برای اثبات این دیدگاه، دلایلی چند اقامه شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. دلیل عقلی

مردم همیشه به امام نیاز دارند و غیبت او از جامعه، به معنای عدم حضور نیست؛ پس او در بین مردم زندگی می‌کند و تا زمان ظهورش، در زمین است. نتیجه آنکه دیدن و رؤیت کسی که دارای زندگی طبیعی است و مثل سایر مردم، مسکن، خوراک، پوشاک و رفت و آمد دارد، هیچ گونه منع عقلی ندارد؛ زیرا کسی که به طور طبیعی در میان مردم زندگی می‌کند، از نظر عقل قابل دیدن است و مخفی بودن و ندیدن ایشان بر خلاف انتظار و خلاف قانون طبیعی است.

۲. دلیل روایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَدُّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَلَا يَدُّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزَلَةٍ وَنَعْمَ الْمَنْزِلَ طَبِيعَةً وَ مَا بَثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشَةٍ»^۳؛ «صاحب این امر، به ناگزیر غیبتی دارد و در دوران غیبت، از مردم کناره می‌گیرد و نیکو منزلی است [مدینه] طیه و با سی تن، وحشتی نیست».

این حدیث دلالت دارد که حضرت، بیشتر در مدینه و اطراف آن است و سی تن از موالی و خواص با او، همراهند که اگر یکی بمیرد، دیگری به جای او می‌نشیند^۴.

۱. کلمات المحققین، ص ۶۳.

۲. الطرائف، ص ۱۸۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

در روایتی آن حضرت، به یوسف علیه السلام تشبیه شده که از دیده‌ها پنهان و ناشناس بود و مردم او را می‌دیدند؛ ولی نمی‌شناختند:

«اما سنَّه من یوسف فالستر یجعل الله بینه و بین الخلق حجابا یرونه و لایعرفونه»^۱.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«خضر از آب حیات نوشید و تا نفخ صور زنده است؛ نزد ما می‌آید، به ما سلام می‌کند صدایش را می‌شنویم؛ اما خودش را نمی‌بینیم... خداوند در دوره غیبت، به وسیله او غربت و تنهایی قائم ما را به انس و الفت بدل خواهد کرد»^۲.

این روایت و نیز آنچه در این زمینه نقل شده، گواه آن است که برخی از بزرگان و نخبگان از دوستانش، آن حضرت را زیارت کرده‌اند و در این هیچ تردیدی نیست^۳.

۳. دلیل عمومی داستان‌ها و حکایت‌های دیدار

در کتاب‌های بسیاری، داستان‌ها و اخبار گوناگونی نقل شده که امکان ارتباط با آن حضرت در غیبت کبری را نشان می‌دهد.

بزرگانی چون قطب‌الدین راوندی در الخرائج، ابن طاووس، محدث نوری در نجم الثاقب و... داستان‌هایی در این زمینه نقل کرده‌اند و... در کتاب‌های مختلفی از تشرُّفات عده‌ای چون ابن قولویه، بحر العلوم، مقدس اردبیلی و... سخن به میان آمده است. تعداد حکایات نقل شده مبنی بر دیدار آن حضرت در بیداری، از نظر کثرت متواتر است، به طوری که یقین پیدا می‌کنیم که فی الجمله دیدارها و ملاقات‌هایی با آن حضرت بوده است...^۴ و چون از افراد صادق و با ایمان نقل شده، قابل اعتماد است.

محدث نوری می‌گوید: «ما روشن کردیم جواز دیدن حضرت را در غیبت کبری،

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، ح ۲۲۹.

۳. علی سعادت پرور، ظهور نور ترجمه الشموس المضيئه، ص ۱۱۵.

۴. محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۱۲۱.

به طور مستوفی در رساله‌های جنة المأوی و نجم الثاقب [و] شواهدی بر این مطلب ذکر کردیم که تردید باقی نماند و از سید مرتضی و شیخ الطائفه و ابن طاووس تصریح بر این مطلب را آوردیم و برای آنچه درباره تکذیب مدعیان رؤیت آمده، تأویلاتی ارائه کردیم^۱.

آخوند خراسانی (صاحب کفایه) در تأیید این دیدگاه می‌فرماید: «در زمان غیبت، عادات دیدار ممکن نیست؛ گرچه احتمال تشرف برخی از افراد صالح و اوحدی به خدمتش داده می‌شود و احیاناً او را نیز می‌شناسند»^۲.

محقق نائینی نیز می‌گوید: «اما در زمان غیبت، عادات رؤیت حضرت ممکن نیست. آری، گاهی در زمان غیبت برای اوحدی از افراد صالح، تشرف به خدمت حضرت و گرفتن حکم از ایشان، امکان‌پذیر است»^۳.

این دیدارهای محدود و استثنایی و با پنهان زیستی و غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، منافاتی ندارد و چون از طرف خود آن حضرت و با اراده او صورت می‌گیرد، خطری را برای ایشان به وجود نمی‌آورد. وظیفه ما نیز تلاش جهت برقراری ارتباط روحی و معنوی با حضرت و عمل به خواسته‌ها و دستورات او است. به یقین اگر ما از گناهان دوری و به تکالیف دینی خود عمل کنیم، مورد توجه و عنایت آن حضرت بوده، از دعاها و تفضلات ایشان بهره‌مند خواهیم شد. حتی در زمان امام عسکری علیه السلام و عصر غیبت صغری - که دیدار و مشاهده امام منعی نداشت و هنوز در پرده غیبت کامل قرار نگرفته بودند - تنها عده معدودی از صالحان و پرهیزگاران می‌توانستند او را زیارت کنند.

وقتی که امام حسن عسکری علیه السلام، فرزند پنج ساله خود را به وکیلش احمد بن اسحاق قمی نشان داد؛ به او فرمود:

«یا احمد بن اسحاق! لولا کرامتک علی الله و علی حُججه لا عَرَضْتُ علیک ابنی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۱۹.

۲. کفایة الاصول، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳. فرائد الاصول، ج ۲، بحث اجماع.

هذا؛^۱ «ای احمد بن اسحاق! اگر منزلت و کرامت تو در نزد خدا و حجت‌های او نبود، این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم».

از طرفی باید توجه کنیم که بیشتر داستان‌ها و حکایات نقل شده در مورد دیدار و مشاهده، نمی‌تواند صحیح باشد و نباید به همه آنها ترتیب اثر بدهیم. اشخاص مدعی مشاهده و دیدار - اگر مؤمن و صالح باشند - ممکن است در خواب او را زیارت کرده و یا با یکی از ملازمان و مأموران آن حضرت ملاقات کرده باشند. حتی احتمال دارد دیدارهای بسیاری روی داده باشد که کسی از آنها آگاه نشده و به کسی هم نقل نشده است (چنان که بزرگانی چون مقدّس اردبیلی و بحر العلوم ... خود ادعایی در این زمینه نداشتند و تنها شاگردان و خواصّ آنها پی به موضوع برده و آن گاه با اصرار و الحاح، موضوع را از زبان ایشان شنیده‌اند). به هر حال باید نقل این گونه داستان‌ها و حکایات، محدود و گزینشی باشد و از گسترش دامنه آنها جلوگیری گردد.

۴. دلیل اصولی (اجماع)

از دیگر شواهدی که بر امکان ارتباط در عصر غیبت ذکر کرده‌اند، «اجماع» است؛ یعنی، عالمی، سخنی از حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و راجع‌الشریف شنیده و آن را به جهت اینکه تکذیب نشود در قالب اجماع بیان می‌کند. این اجماع، تشرّفی بوده و نشانگر ارتباط عده‌ای از علما با امام زمان عجل‌الله‌تعالی و راجع‌الشریف است.

محقق تستری در کشف القناع می‌گوید: «برخی از بزرگان و حاملان اسرار ائمه عجل‌الله‌تعالی و راجع‌الشریف، مسائلی را از امام عصر عجل‌الله‌تعالی و راجع‌الشریف دریافت کرده‌اند و چون امکان اعلان آن نبوده، با عنوان اجماع از نظر امام زمان عجل‌الله‌تعالی و راجع‌الشریف یاد می‌کنند»^۲.

۵. دعاها و اذکار

نقل بعضی از دعاها و اذکار منسوب به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و راجع‌الشریف در عصر غیبت کبری، دلیل دیگری بر امکان دیدار و مشاهده آن حضرت است؛ زیرا این ادعیه و آثار،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳، ح ۱۶.

۲. کشف القناع، ص ۲۳۰.

از راه تشرف و ملاقات با حضرت قابل انتقال و نقل است و نقل‌کنندگان آن نیز مشخص و شناخته شده می‌باشند (چون ابن طاووس و...).

از طرفی دعاها و اذکاری نیز در کتاب‌ها مبنی بر راه‌های دیدار و ملاقات امام علیه السلام نقل شده که مؤید این معنا است؛ چنان‌که در دعای عهد می‌گوییم: «اللهم ارني الطلعة الرشيدة والعزة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني اليه».

ملاقات با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیان حکایات آن، دارای آثار و فواید فراوانی است و تأثیر به‌سزایی در اثبات غیبت و طول عمر آن حضرت دارد. این مسئله موجب تقویت ایمان و باور افراد و ترویج فرهنگ و اندیشه مهدویت می‌شود.

■ سه. امکان دیدار به صورت محدود

مستندات و دلایل هر دو دیدگاه قابل نقد و خدشه است و نمی‌توان به‌طور کامل آنها را پذیرفت یا رد کرد. مهم‌ترین دلیل مخالفان دیدار، توقیع شریف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که از نظر سندی و دلالتی قابل بحث و تفسیر است. بر اساس روایات مختلف هر چند آن حضرت در میان مردم حضور دارد و حتی در مراسم حج شرکت می‌کند؛ اما شناخته نمی‌شود و این مسئله قید ندارد و مطلق است.

از نظر موافقان دیدار، روایاتی هست که بر اساس آنها عده‌ای از خاصان به حضور امام علیه السلام می‌رسند. به نظر می‌رسد این افراد، عده‌ای از خواص و اولیاء الله هستند که از مردم منفک شده و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوسته‌اند و در هیچ حالی خود را معرفی نمی‌کنند. امکان ارتباط و دیدار نیز فقط برای اینان وجود دارد^۱. با بررسی این آرا و نقدها، به روشنی ثابت می‌شود که اصل کلی در زمان غیبت کبری، بر عدم ملاقات و ارتباط با آن حضرت استوار است و ما هیچ تکلیف و یا دستوری مبنی بر تقاضای دیدار و رؤیت نداریم و هیچ دلیلی نیز وجود ندارد که ما سعی کنیم با دعا، چله نشینی، ذکر و اوراد و... حتماً به محضر آن امام همام

۱. برای مطالعه این نقدها ر.ک: چشم به راه مهدی، ص ۷۸ - ۱۰۴.

مشرف شویم. حتی به جهت سوء استفاده‌های فراوانی که از این امر شده، باید به شدت از آن دوری کنیم و تنها به فکر ارتباط روحی و قلبی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم.

البته به یقین بزرگانی چون بحرالعلوم، ابن طاووس، مقدّس اردبیلی و... به محضر آن حضرت مشرف شده و او را زیارت کرده‌اند؛ اگرچه خود، ادعایی در این زمینه نداشته‌اند؛ ولی این دیدارها را تأیید کرده‌اند.

همچنین آن حضرت نیز در موارد ضروری و نیاز، به یاری گرفتاران و محتاجان شتافته و به دستگیری از آنها پرداخته است. از این رو می‌توانیم بگوییم که امکان دیدار و مشاهده حضرت در عصر غیبت کبری، به صورت خیلی محدود و یا بر اثر ضرورت وجود دارد و این توفیق و سعادت بزرگی است که شامل عده‌ای خاص و اندک می‌شود. لذا مفاد حدیثی که در نفی مشاهده است؛ به معنای نفی ادعای ملاقات و مشاهده به طور پیوسته و دائمی قبل از ظهور است و یا نفی ادعای ظهور حضرت به طور اختصاصی برای عده‌ای خاص می‌باشد و یا نفی ارتباط اختصاصی همانند نواب اربعه می‌باشد و یا نفی ادعای رؤیت به اختیار خود است.

دعا برای ملاقات

پرسش ۱۸

بسیار علاقه دارم که به حضور امام و محبوبم مشرف شوم؛ آیا چله‌ها و ختم‌هایی که برای مشاهده و دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بعضی از کتاب‌ها نقل شده، درست است و می‌توان از این طریق به محضر آن حضرت شتافت. در غیر این صورت از تشرفات و دیدارهای کدام افراد صحیح و درست است و می‌توان به داستان آنها باور داشت؟

ابتدا باید بدانیم که وظیفه و تکلیف ما در عصر غیبت کبری، زمینه‌سازی برای ظهور و قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آمادگی برای همراهی با او، ترویج و تبلیغ آرمان‌های والای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، هم‌سنخی و ارتباط روحی و قلبی با آن حضرت، عمل به دستورات دینی، شناخت خواسته‌های او از ما و رفع موانع ظهور است.

دوران ما، عصر انتظار پویا و سازنده است و معنای آن چشم به راه بودن، دعا کردن، صبر و تحمل داشتن و تقویت ایمان و یقین است. ما از این طریق می‌توانیم ارتباط روحی و قلبی عمیقی با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف برقرار سازیم و همیشه و در همه جا، به فکر و یاد او باشیم و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنیم. بر این اساس در کتاب‌های معتبر روایی، سفارش و دستوری مبنی بر زیارت و ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نرسیده است. چنین خواسته‌ای، خارج از وظایف ما و الزامات غیبت کبری است و حتی با آن منافات دارد.

آری اگر درخواست ملاقات با حضرت در عصر غیبت، به جهت بهره‌مندی از وجود او و مورد عنایت خاص او قرار گرفتن است، مطلوب و پسندیده است و چنانچه همراه با اخلاص، ورع، معرفت، تسلیم و عشق باشد، عنایاتی به انسان خواهد شد و به کمالاتی دست خواهد یافت.

می‌جویم از کوی شفق آوای دیدار
 می‌خواهم او را در دل سینای دیدار
 آئینه اشکم شده پژواک افسوس
 می‌میرم از این حسرت پیدای دیدار
 هر بامداد از یاس‌های آسمانی
 می‌پرسم از هنگامه زیبای دیدار
 می‌بینمش در خواب شیرین بهاری
 کی می‌شود تعبیر این رؤیای دیدار...

اصل امکان تشرف به خدمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به نصّ خاصی ثابت نشده، جز به تواتر اجمالی که از ادّعای صالحان و عالمان (داستان‌های دیدار)، به دست آمده است؛ آنچه از چله‌ها و ختم‌ها و اذکار در کتاب‌هایی دیده می‌شود که اهل بیت تألیف ندارند، اصلی ندارد. زیرا بنای اصلی بر غیبت است، نه بر رؤیت؛ البته دیدن ممکن است؛ ولی به شرط اقتضای مصلحت. آن هم امرش به دست امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نه به خواسته من و شما!! پس نباید پی این و آن رفت و درخواست ختم و چله و راه کرد که هر چه گفته شود، بی‌اصل است! کسانی که رسیده‌اند، با این ختم‌ها و چله‌ها نرسیده‌اند!!

ممکن است برخی از روی خلوص، عملی را شروع کرده باشند و مدّتی ادامه داده‌اند و بسیار جدّیت کرده‌اند (از روی رجا و امید)؛ بدون اینکه نظری به ختم داشته باشند یا آن را چله حساب کنند و چون جدّیت بسیار کرده‌اند، عاقبت برقی لطف جستن کرده و شامل حال ایشان شده است. مانند اینکه شخصی، احیانا در شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله رفته و برای انجام دادن عمل مخصوصی که در شب چهارشنبه رسیده، در آنجا حاضر شده است؛ به این امید که شاید به ملاقات مشرف شود، چند مدّتی این رنج را به خود داده تا اینکه بالاخره نایل شده است و چون او، از این راه به مقصود رسیده، دیگران نیز به طمع افتاده‌اند!! کم‌کم آن را به صورت چله درآورده‌اند و پس از مدّتی

شهرت یافته که: «هر کس چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله برود، امام خود را خواهد دید»؛ کم‌کم عمل مجرب خوانده شده و... در حالی که این هیچ موضوعیت و سندی ندارد. آری به وسیله عمل و جدیت، با صفای باطن و نیت پاک و عمل صالح، می‌توان به خدمت امام عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریم رسید؛ به شرط اینکه نظر علیّت به آن نداشته باشد؛ یعنی، این‌طور نباشد که عمل خود را علت بداند که در آن تخلف نخواهد بود؛ زیرا عمل و جدیت مقتضی است، علت نیست بلکه باید به قصد رجا باشد و به شرط اینکه اعمالش مطابق دستور شرع و صلاح و تقوایش مورد پسند باشد.

■ اظهار اشتیاق

اظهار علاقه و اشتیاق به دیدار آن بزرگوار، از نشانه‌های دوستان و موالیان آن حضرت است و در خوبی و استجاب آن تردیدی نیست؛ چون در دعاها، این معنا آمده است و چه خوب سروده‌اند:

قلبی الیک من الأشواق محترق
و دمع عینی من الآماق مُندفق
الشوق یُحرقُنّی و الدمعُ یُغرِقُنّی
فهل رأیت غریقاً و هو محترقُ

* * *

ز آتش دل سوزم و در سیل اشکم غوطه‌ور
کس غرق‌ی همچو من دیده در آتش شعله‌ور
شوق روی انورت آرد شگفتی‌ها به بار
از ظهور طلعت گردد زمستان‌ها بهار

شوق دیدار یار را شاید نتوان برای همگان یک وظیفه شمرد؛ این وظیفه عاشقی است؛ این تکلیف سوختگان هجران است. آن کس که فراق حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریم بی‌تابش کرده؛ آن کس که دوری رخ زیبای یوسف فاطمه علیها السلام، خواب را از چشمانش گرفته و آن کس که غیبت مولایش راحت و آرامش و آسایش را از او سلب کرده، به چیزی جز دیدار نمی‌اندیشد: «عزیزُ علّیّ آن آری

الخلق و لاتری»؛ «بر من دشوار است که مردم را ببینم اما تو دیده نشوی»^۱.
 مولایمان امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز - با اینکه دو قرن پیش از تولد امام مهدی (عجله الله تعالی فرجه الشریف) می زیست - اظهار اشتیاق به دیدارش داشت؛ چنان که در حدیثی آمده است:
 امام علی (علیه السلام) پس از آنکه قسمتی از صفات و نشانه های او را بیان فرمود و به بیعت با او و اجابت دعوتش، امر کرد؛ فرمود: «آه و به سینه اش اشاره کرد و شوق دیدارش را اظهار داشت».

در حدیثی دیگر از احمد بن ابراهیم نقل شده که می گوید: «به جناب ابوجعفر محمد بن عثمان، اشتیاقم را به دیدار مولایمان بیان کردم؛ به من فرمود: با وجود اشتیاق مایل هستی او را ببینی؟! گفتم: آری، فرمود: خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید و دیدن رویش را به آسانی و عافیت، به تو روزی کند! ابوعبدالله! التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت، به او اشتیاق داری و درخواست مکن که با او همنشین گردی که این از عزایم الهی است و تسلیم بودن به آن بهتر است؛ ولی با زیارت به سوی او توجّه کن...»^۲.

بر این اساس نیک و پسندیده بودن اشتیاق به آن حضرت، امر واضح و روشنی است؛ زیرا این از لوازم محبت است که از دوستان جدا نمی گردد و عبارت «خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید»، اشاره به ثواب ارزنده ای است که بر آن مترتب می شود.

این که در روایت آمده است: «ای ابوعبدالله التماس مکن که او را ببینی...»، منظور دیدن آن حضرت به گونه امامان گذشته است؛ یعنی، هر وقت خواسته باشی، این امر برایت فراهم باشد. جمله «به او اشتیاق داری...»، در حقیقت، امر به شوق دیدار آن حضرت است و بر فضیلت اشتیاق اهل اخلاص به دیدار آن حضرت دلالت می کند^۳. این اظهار اشتیاق و علاقه، منافاتی با درخواست

۱. دعای ندبه.

۲. ر.ک: مکمال المکارم، ج ۲، ص ۲۴۶؛ وظایف منتظران، ص ۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۹۷.

۴. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.

دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان ندارد و درخواست و دعا غیر از چله نشینی و ختم گرفتن و... است.

در دعای عهد از خداوند می‌خواهیم:

«اللَّهُمَّ ارْزُقِ الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ»؛ «بار خدایا! آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنمای...».

در دعایی دیگر می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُرِیْنِیْ وَلِیَّ اَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا لِاَمْرِ...»؛ «بار خدایا! از تو مسئلت دارم که ولی امرت را به من بنمایی، در حالی که فرمانش نافذ باشد...».

البته منظور از این دعاها و درخواست‌ها، می‌تواند دیدار و مشاهده آن حضرت در عصر ظهور و اشتیاق به همراهی و نصرت او باشد. این را هم باید بدانیم که - به فرض صحت این دعاها و حکایات نقل شده در رابطه با ملاقات و مشاهده حضرت - تشرف به محضر حجت حق و آیت عظمای الهی بر روی زمین، به آسانی و به‌طور عادی، امکان‌پذیر نیست و شرایط دشوار و طاقت‌فرسایی دارد. مهم‌ترین شرط، رفع موانع و حجاب‌هایی است که بین انسان و امام زمانش وجود دارد و او را دلبسته مادیات، شهوات، نفسانیات و... می‌کند.

در داستان تشرف علی بن مهزیار آمده است که او نوزده بار به عزم زیارت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سفر حج مشرف شد؛ ولی توفیقی به دست نیاورد؛ تا اینکه در سفر بیستم، لطف الهی شامل حال او گردید و با اذن و اراده امام توفیق دیدار یافت. وقتی که قاصد می‌خواست علی بن مهزیار را به محضر امام ببرد، پرسید: چه می‌خواهی و دنبال چه می‌گردی؟! وی جواب داد: من به دنبال امامی هستم که محبوب و غایب از دیده‌ها است «ارید الامام المحبوب عن العالم»! قاصد گفت: پاسخ اشتباهی دادی؛ چه کسی می‌گوید که حضرت محبوب از عالم

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۹۰.

است؟ بلکه این اعمال بد شما او را محجوب کرده است «و ما هو المحجوب عن العالم و لكن حجبهُ سوءُ اعمالکم»^۱ و نمی‌توانید به محضرش بشتابید؟ خود علی بن مهزیار نقل می‌کند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه علّت عدم توفیق دیدار را چنین دانسته بود:

«لا و لکنکم کثرتُم الأموال و تجبرتم علی ضُعاء المؤمنین و قطعتم الرّحم الّذی بینکم فائیُغذر لکم؟» «شما اموالتان را زیاد کردید و بر مؤمنان ضعیف کبر و بزرگی نمودید و قطع رحم کردید؛ پس هیچ عذری برای شما نیست».

مهم‌تر از این، کسب لیاقت و شایستگی در پرتو تهذیب و تزکیه نفس و در نتیجه جلب رضایت و عنایت الهی است. اگر لطف و کرامت آفریدگار شامل حال انسان گردد، پرده‌ها و حجاب‌ها زایل و رخساره ماه محمّدی صلی الله علیه و آله نمایان می‌شود؛ چنان که ابن طاووس خطاب به فرزندش سید محمد می‌نویسد:

«اعلم انّ الطریق الی امامک مفتوح لمن یُريد الله عزّوجل کرامته علیه»؛^۲ «راه به سوی امامت گشوده است؛ بر کسانی که خداوند اراده کرده، آنان را گرامی می‌دارد».

در داستان تشرف علامه حلّی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه آمده است: «علامه حلّی در شبی از شب‌های جمعه تنها به زیارت قبر مولایش ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌رفت. ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه‌ای برای راندن آن در دست داشت. اتفاقاً در اثنای راه شخص پیاده‌ای در لباس اعراب به او برخورد کرد و با ایشان همراه شد. در بین راه شخص عرب مسئله‌ای را مطرح کرد، علامه حلّی (ره) متوجه شد که این مرد عرب، انسانی است عالم و با اطلاع؛ بلکه کم‌مانند و بی‌نظیر، لذا بعضی از مشکلات خود را از ایشان سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آنها دارد، با کمال تعجب دید آن مرد حلال مشکلات و معضلات و کلید معماها است. باز مسائلی را که بر خود مشکل دیده بود؛ سؤال نمود و از شخص

۱. دلائل الامامة، ص ۲۹۷.

۲. کشف المحجّه، ص ۱۶۸.

عرب جواب گرفت و خلاصه متوجّه شد که این شخص علامه دهر است. چون ایشان تا به آن وقت کسی را مثل خودش ندیده بود و خودش هم که در آن مسائل متحیر بود. بالاخره در اثناء سؤال‌ها، مسئله‌ای مطرح شد، او در آن به خلاف نظر علامه حلی فتوا داد. ایشان قبول نکرد و گفت: این فتوا برخلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی که مدرک آن باشد، نداریم. آن جناب فرمود: «دلیل این حکم که من گفتم حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است».

علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و به یاد ندارم دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند. آن مرد فرمود: «آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار صفحه را بشمار، در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می‌کنی». علامه با خود گفت: شاید این شخص که در رکاب من می‌آید، مولای عزیزم حضرت بقیّة الله روحی فداه باشد، لذا برای اینکه واقعیّت امر برایش معلوم شود، پرسید: آیا ملاقات با حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه امکان دارد یا نه؟ در همین حال تازیانه از دست او افتاد و آن شخص خم شد و آن را برداشت و با دست با کفایت خود در دست علامه گذاشت و در جواب پرسش او فرمود: «چه طور نمی‌توان او را دید و حال آن‌که الان دست او در دست تو است؟»

همین که علامه این کلام را شنید، بی‌اختیار خود را از روی حیوانی که بر آن سوار بود، بر پاهای آن امام مهربان انداخت تا پای مبارکشان را ببوسد و از کثرت شوق بی‌هوش گردید. وقتی به هوش آمد کسی را ندید و افسرده و ملول گشت. بعد از این واقعه وقتی به خانه خود بازگشت، کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود، مشاهده نمود. پس در حاشیه کتاب تهذیب خود نوشت: این حدیثی است که مولایم صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: «در فلان صفحه و فلان سطر می‌باشد».

آقا سید محمد، صاحب مفاتیح الاصول فرمود: من آن کتاب را دیدم و در حاشیه آن به خط علامه مضمون این جریان را مشاهده کردم»^۱.

■ نمونه دیدارکنندگان

در رابطه با دیدار عده‌ای از شیعیان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داستان‌های زیادی نقل شده که نمی‌توان به راحتی از آنها چشم پوشید و آنها را نادیده گرفت؛ به عنوان نمونه: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر سامرا، اسماعیل هرقلی را شفا می‌بخشد و به او خبر می‌دهد که به زودی خلیفه ستمکار عباسی، به او مبلغ بزرگی خواهد داد و به او هشدار می‌دهد که نپذیرد.

آن حضرت، در نجف اشرف، مرد مسلول و گرفتاری را به دیدار خویش مفتخر می‌سازد و بیماری سخت را بر طرف می‌کند و به او خبر می‌دهد که به آرزویش خواهد رسید^۲.

آن حضرت در تنگناها، به فریادشان می‌رسد، شرّ دشمنان را از آنان بر طرف می‌سازد و به آنان از توطئه‌ها، حيله‌ها و نقشه‌هایی که برای اذیت و آزارشان می‌کشند، خبر می‌دهد. آن گاه به صورت ناگهانی، از برابر دیدگان پنهان می‌گردد تا غیبت او به صورت ناگهانی دلیل این باشد که او همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است نه دیگری.

در بعضی منابع معتبر، جریان ملاقات عده‌ای از صالحان و عالمان نقل شده که به اسامی آنان اشاره می‌شود:

ابراهیم بن ادريس ابو احمد، ابراهیم بن عبده نیشابوری، ابراهیم بن محمد تبریزی، ابراهیم بن مهزیار ابواسحاق اهوازی، احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، احمد بن حسین بن عبدالملک ازدی، احمد بن عبدالله هاشمی، احمد بن هلال ابوجعفر عبرتایی، احمد بن محمد بن مطهر ابو علی، اسماعیل بن علی نوبختی ابوسهل، ابو عبدالله بن صالح، ابو محمد حسن بن وجناء نصیبی، حکیمه خاتون

۱. قصص العلماء، ص ۲۵۹؛ العبقري الحسان، ج ۲، ص ۶۱ و ...

۲. رک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۴۴۰.

دختر امام جواد)، الزهری، رشیق صاحب المادرائی، ابوالقاسم الروحی، علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی، علی بن محمد شمشاطی، غانم ابو سعید هندی، ابوعمر و عثمان سعید عمری، محمد بن احمد انصاری، ابونعیم زیدی، محمد بن اسماعیل بن موسی الکاظم، محمد بن جعفر ابوعباس حمیدی، محمد بن حسن بن عبیدالله تمیمی زیدی، محمد بن صالح بن علی بن محمد و...^۱.
جالب‌تر اینکه دانشمند بزرگی چون ابن عربی نیز ادعای ملاقات و دیدار با امام علیه السلام را کرده است.

وی می‌گوید: «برای ولایت محمدیه - که تنها اختصاص به شریعت نازل شده بر [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارد - نشانه خاصی هست... همانا او در زمان ما متولد شده و من نیز او را دیدم و با او همنشین شدم و نشانه خاتمیت را در او دیدم. هیچ ولی‌ای بعد از او نیست؛ مگر اینکه به او رجوع می‌کند، همچنان‌که هیچ پیامبری بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست، مگر اینکه به او رجوع کند»^۲.

وی در جای دیگری از کتاب فتوحات مکیه می‌گوید: «اما نشان ولایت محمدیه از آن مردی از عرب است که از شریف‌ترین اصل و نسب برخوردار است. او در همین زمان ما موجود است. من در سال ۵۹۵ ه.ق با او آشنا شدم و نشانه‌ای را که او دارا است دیدم؛ همان نشانه‌ای که [حضرت] حق آن را از دید بندگان پوشیده داشته و برای من در شهر فاس آشکار ساخت و دریافتیم که او خاتم ولایت است...»^۳.

در قرن‌های بعد نیز بزرگان، صالحان و علمای وارسته‌ای به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه مشرف شده که تردیدی در بیشتر این دیدارها و ملاقات‌ها وجود ندارد.

برخی از این افراد رستگار عبارت‌اند از: ابن طاووس، علامه بحر العلوم، مقدّس اردبیلی، علامه حلّی، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله نمازی شاهرودی،

۱. رک: کتاب الغیبة، ص ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۷۱، ۳۲۰ و...؛ کمال الدین، ج ۲؛ ارشاد مفید، ج ۲؛ نجم الثاقب، به نقل از: موعود نامه، ص ۶۹۴ و ۶۹۵.

۲. ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۱۸۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۹.

حاج علی بغدادی، ابو راجح حمّامی، سید مهدی قزوینی، آیت الله امین عاملی، ملا هاشم قزوینی، شیخ حسنعلی نخودکی، شیخ مرتضی انصاری، آیت الله بهاء الدینی، شیخ حرّ عاملی، شیخ محمد تقی بافقی و

داستان تشرّفات این بزرگان در منابع معتبر نقل شده و مطالعه شرح حال آنان و نحوه ملاقاتشان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه، نشانگر درستی این دیدارها است؛ به خصوص آنکه بسیاری از این حکایت‌ها، بعد از وفات آنان نقل شده است و در اکثر موارد این عنایت و تفضّل خود امام علیه السلام بوده که شامل حال آنان گردیده است. چنان که خود آن حضرت می‌فرماید:

«ما براوضاع و اخبار شما و جامعه شما، به خوبی آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند «فَأَنْ نَحِيطَ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزِبُ عَنْ شَيْءٍ مِنْ أَعْبَارِكُمْ»؛ ما از سرپرستی و رسیدگی به کارهای شما، کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه خاطر خویش نزدوده‌ایم که اگر جز این بود، امواج سختی‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان کینه توز، شما را ریشه کن می‌ساختند «أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ».

«ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، به وسیله نیایش و راز و نیازی که از فرمانروای آسمان‌ها و زمین پوشیده نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگه‌داری می‌کنیم «لَأَنَّا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِم بِالذَّعَا الَّذِي لَا يَحْجُبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ».

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در فرمان برداری خویش توفیقشان ارزانی دارد - به راستی در راه وفای به عهده‌ای که بر دوش دارند، همدل و هماهنگ بودند، هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر روزی آنان می‌گشت «و لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ... لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا»^۱.

راستی یا دروغ‌گویی ملاقات‌کنندگان

پرسش ۱۹

طبق توقیع شریف امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف می‌فرماید: «هر کس بگوید که مرا دیده است، دروغ گفته است»، در حالی که در طرف دیگر می‌بینیم بسیاری از شخصیت‌های بزرگ معتقدند امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشريف را دیده‌اند؟ این تناقض را چگونه توجیه می‌کنید؟

پیش از بیان پاسخ ابتدا متن توقیع شریف را ذکر می‌کنیم، آن گاه به بررسی سندی و دلالتی آن می‌پردازیم. در توقیع منسوب به آن حضرت خطاب به علی محمد سمري آمده است:

«يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ: فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ، وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّامَّةُ، فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنِ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ، إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ»؛ «ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادران دینی تو را در سوگ تو افزون کند. تو زندگی را شش روز دیگر بدرود خواهی گفت. کار خویش را سامان بخش و به کسی در مورد جانشینی خود [در نیابت خاصه] وصیت نکن که غیبت کامل کبری آغاز گردیده و ظهور جز به اذن الهی تحقق نیابد و آن، پس از مدتی دراز و قساوت دل‌ها و آکنده شدن زمین از جور و ستم خواهد بود. آگاه باشید هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده ما را داشته باشند، سخت دروغ‌گو و افترا زننده است».

از این توقیع استفاده می‌شود کسانی که پیش از خروج سفیانی و شنیده شدن صیحه آسمانی، ادعای رؤیت و مشاهده کنند، «کذاب و مفتری» خواهند بود و تکذیب آنان لازم است.

بخشی از این توقیع، نهی از وصیت و سفارش خاص (بعد از علی بن محمد سمری) است و مدعیان خاص را پس از وی ردّ می‌کند و کسانی که تا هنگام ظهور حضرت، چنین ادعایی بکنند، باید تکذیب شوند.

همچنین از این توقیع استفاده می‌شود که ظهور حضرت در بین مردم، به اجازه خدا و پس از مدّت طولانی است؛ آن گاه که قلب‌ها سخت گردد و زمین پراز ستم شود. با توجه به اینکه خواص یاران حضرت در غیبت صغری ایشان را مشاهده کرده‌اند، توقیع نفی ظهور و رؤیت کلی می‌کند و جمله «فلا ظهور...» این معنا را می‌رساند؛ زیرا ظهور به معنای بروز پس از خفا است. و «لای نفس جنس»، همراه استثنا بدین معنا است که هیچ ظهوری ندارد و افراد، وی را مشاهده نمی‌کنند؛ مگر پس از اذن الهی^۱.

پس برابر این توقیع، مدعی مشاهده دروغ‌گو است و ادعای وی قابل پذیرش نیست. پاسخ‌های چندی به اشکالات و مباحث مطرح در این توقیع ارائه شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

■ ۱. بررسی سندی

به نظر برخی، این روایت مرسل و سند آن ضعیف است. حسن بن احمد مکتّب (راوی توقیع)، شناخته شده نیست و صدور توقیع مذکور ثابت نمی‌شود. محدّث نوری در نجم الثاقب می‌گوید: «این خبر ضعیف و غیر آن، خبر واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد. پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدا می‌شود. هر چند از هر یک از آنها پیدا نشود؛ بلکه از جمله‌ای از آنها دارا بودن کرامات و خارق‌عاداتی را که ممکن نباشد صدور آنها از غیر آن جناب استفاده

۱. رک: چشم به راه مهدی، ص ۴۸.

می‌شود. پس چگونه رواست اعراض از آنها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن (شیخ طوسی)، عمل نکرده به آن در همان کتاب^۱.

■ ۲. بررسی دلالی

از نظر دلالت، با عنایت به اینکه علی بن محمد سمري، نیابت خاص از آن حضرت داشت (و در این زمینه نیز بارز و شناخته شده بود)، مقصود از «ادعای مشاهده»، در این روایت مطلق مشاهده [و دیدار] آن حضرت نیست؛ بلکه همان‌طور که علامه مجلسی نیز احتمال داده است، مراد ادعای دیدار همراه با نیابت از آن حضرت و آوردن اخبار و دستورات از جانب ایشان، مانند سایر نمایندگان آن حضرت در عصر غیبت صغری است^۲.

این توقیع، اعلام پایان یافتن «غیبت صغری» و شروع «غیبت کبری» است که در آن به جناب علی بن محمد سمري (ره)، امر شده است که به احدى وصیت نکند که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد. و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام علیه السلام و مردم می‌نمایند. پس مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری است، ممکن است کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی کنند^۳.

امام خواست این باب را مسدود کند و به مردم خبر دهد که هر کس ادعای دیدار مرا بکند و بگوید من وکیل یا نایب خاص آن حضرت هستم و این‌طور آن حضرت را می‌بینم، دروغ‌گو است و او را تکذیب کنند.

■ ۳. اعراض از توقیع

توقیع - به فرض صحت سند - معرض عنه است؛ چرا که اصحاب حکایات زیادی نقل کرده‌اند که اشخاص معتمدی با امام زمان علیه السلام دیدار داشته‌اند و

۱. نجم الثاقب، ص ۴۸۴.

۲. رک: بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸ و ۳۲۵.

۳. امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۷۵.

حتی خود شیخ طوسی که توقیع را نقل کرده، به آن عمل نکرده است. صاحب منتخب الاثر می‌گوید: «این توقیع منافی است با آنچه کُل افراد بر آن ظاهراً اتفاق نظر دارند. حتی شیخ طوسی که این توقیع را نقل کرده، شمار زیادی را نام برده که حضرت را مشاهده کرده‌اند... [خود وی] به آن عمل نکرده و اصحاب از آن اعراض کرده‌اند. پس توان معارضه با این وقایع و حکایاتی که از مجموع آنها قطع حاصل می‌شود، ندارد»^۱. در واقع، عمل کنندگان به این توقیع بسیار اندک هستند.

■ ۴. تعارض با ادعیه و روایات

این روایت ضعیف السند با روایاتی که مشتمل بر ادعیه و اعمال خاص برای رؤیت صاحب الزمان می‌باشند، متعارض است و آنها از نظر سند قوی‌تر و از نظر دلالت روشن‌تر هستند؛ بلکه بعضی از این روایات، دارای سند صحیح هم هستند. همان طور که محدّث نوری در باب دوازدهم کتاب نجم الثاقب، دعاهایی برای دیدار صاحب الزمان ذکر کرده است.

■ ۵. مفهوم توقیع

ممکن است مراد از توقیع مذکور، نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد؛ یعنی، اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند - به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم شرفیاب می‌شود یا ارتباط پیدا می‌کند - کذاب و افترا زننده است و این ادعا از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست؛ یا اینکه چنین کسی که این سمت را به راستی داشته باشد، پیدا نخواهد شد و اگر هم کسی آن را دارا باشد، از دیگران مکتوم می‌دارد و به کسی اظهار و افشا نمی‌کند. اجمالاً با این توقیع، در آن همه حکایات و وقایع مشهود و متواتر نمی‌توان خدشه کرد و بر حسب سند نیز، ترجیح با این حکایات معتبر است. اگر به کتاب‌هایی چون نجم الثاقب رجوع کنیم، می‌بینیم که در این حکایات،

۱. منتخب الاثر، ص ۴۰۰.

وقایعی است که هرگز شخص عاقل در صحت آنها نمی‌تواند شک کند. بنابراین هم شرفیابی اشخاص به حضور آن امام عزیز ثابت است و هم کذب و بطلان ادعای کسانی که در غیبت کبری، ادعای سفارت و نیابت خاصه و وساطت بین آن حضرت و مردم را می‌نمایند، معلوم است.^۱ پس صرف دیدار، در روایت منتفی نشده است و علما نیز نفی اصل دیدار را استفاده نکرده‌اند؛ اما از آنجایی که قطعاً نمی‌توان توقیع را رد کرد، باید تا حد امکان به مفاد آن عمل نمود و مدعیان دیدار و مشاهده را - به خصوص در جاهایی که هیچ قرینه و شاهدی بر اثبات ادعای آنها وجود ندارد - تکذیب کرد.

به علاوه روایت، مدعی مشاهده را «کذاب» می‌داند؛ حال اگر کسی امام را ببیند و به دیگران نگوید، مشمول این روایت نمی‌باشد و بر این اساس اصل دیدار، امر ممکني خواهد بود.

نکته دیگر آنکه بیشتر بزرگان و علمایی که موفق به دیدار حضرت شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند؛ بلکه اطرافیان و خواص آنان - از روی شواهد و قرائنی و یا در زمان‌های بعد - متوجه دیدار آن عالم با امام می‌شدند. لذا علما، تحت عنوان مدعی مشاهده، قرار نمی‌گیرند و این توقیع، با داستان ملاقات برخی از بزرگان منافات ندارد.

بدیهی است پذیرفتن امکان دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بدین معنا نیست که هر کس مدعی دیدار شد، می‌توان او را تصدیق کرد. بی‌تردید، تصدیق مطلق، مانند تکذیب مطلق ناروا است. مدعیان دروغ گو و شیاد بسیاریند و ساده‌اندیشی در این باب، بسیار خطرناک است! نمونه‌های فراوانی از این موارد، در عصر حاضر دیده و شنیده شده که در اینجا مجال برای ذکر آنها نیست و تنها یک نمونه کافی است که مشخص شود، خطر تا چه اندازه جدی است و شیادان در این باره تا کجا پیش می‌روند. یکی از مدعیان ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان حیات

امام خمینی (ره) با یکی از مسئولان بلند پایه جمهوری اسلامی تماس گرفته، می‌گوید: پیغامی از حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌فرجه برای امام دارم که باید حضوری به ایشان عرض کنم. گویا آن مسئول بلند پایه باور کرده بود که مدّعی راست می‌گوید. لذا جریان را به اطلاع امام خمینی (ره) می‌رساند.

امام در پاسخ می‌فرمایند: به او بگویید «من کور باطن هستم - اشاره به اینکه بی‌دلیل چیزی را نمی‌پذیرم - سه سؤال از وی بکنید و بگویید: اگر بای عصر عجل‌الله‌فرجه ارتباط دارد، ابتدا پاسخ این سؤال‌ها را بیاورد، بعد پیغام آن حضرت را بگوید:

۱. من یک چیزی را دوست دارم، آن چیست؟

۲. چیزی را گم کرده‌ام، کجا است؟

۳. ربط حادث به قدیم چگونه است؟

اما مدّعی - یا مدعیان - به جای پاسخ به پرسش‌های امام، نامه‌ای سراسر اهانت به ایشان می‌نویسند که چرا از واسطه ولی عصر عجل‌الله‌فرجه برای اثبات ادعایش دلیل و برهان می‌خواهد! امام نامه را می‌فرستند که در جلسه سران قوا خوانده شود تا...».

در این داستان چند نکته بسیار آموزنده وجود دارد:

۱. هشدار به جوانان، وقتی که مدّعیان دروغین در صدد اغوای شخصی مانند حضرت امام (ره) باشند، فریب دادن جوانان ساده لوح برای آنان بسیار آسان است.

۲. ادعای ارتباط با امام عصر عجل‌الله‌فرجه آسان است. هر کس می‌تواند این ادعا را داشته باشد، مهم این است که مدّعی می‌تواند ادعای خود را با دلیل اثبات کند، یا نمی‌تواند؟ و بالاخره تصدیق و تکذیب مدّعی، باید متّکی بر دلیل و برهان باشد.

۱. عکسی منسوب به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در اتاق امام (ره) است.

۲. امام راحل دیوان شعری داشتند که مفقود شده بود.

۳. دلیلی می‌تواند ارتباط مدّعی را اثبات کند که حاکی از ارتباط با عالم غیب باشد؛ لذا امام (ره) سؤال‌های خود را به گونه‌ای طراحی کرد که پاسخ دادن به آنها ممکن نبود (مگر از طریق علم غیب و ارتباط با معصوم)¹. با این حال برای خود امام راحل (ره) مواردی اتفاق افتاده بود که از آن احتمال مشاهده و دیدار برداشت می‌شد؛ ولی ایشان آنها را بروز نمی‌داد.

مرحوم حجه الاسلام سید محمد کوثری نقل می‌کند: یک روز من در منزل آیت‌الله فاضل لنکرانی بودم و یکی از فضلاء مشهد نیز آنجا بود. وی به نقل از یکی از دوستانشان گفت: در نجف اشرف در خدمت امام بودیم؛ صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم: این چه فرمایش‌هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟ یک مستأجر را نمی‌شود از خانه بیرون کرد؛ آن وقت شما می‌خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کرد؛ من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند، سخنم را تکرار کردم!! امام برآشفته و فرمود: فلانی چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرماید؟! شاه باید برود و شاه از مملکت بیرون رفت. ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه داشت².

یکی از علما نقل می‌کند: «روز ۲۲ بهمن که امام راحل دستور دادند که مردم در خیابان‌ها بریزند؛ چون ما حکومت نظامی نداریم. این جریان را به مرحوم آیت‌الله طالقانی اطلاع دادند. در آنجا من در خدمت ایشان بودم. آیت‌الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن زد و مدت نیم تا یک ساعت با امام صحبت کرد. برادران بیرون از اتاق بودند، فقط می‌دیدند که آیت‌الله طالقانی، مرتب به امام عرض می‌کند: آقا! شما ایران نبودید، این نظام پلید است! به صغیر و کبیر ما رحم نمی‌کند؛ شما حکمتان را پس بگیرید! برادران یک وقت متوجه شدند که آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشت و به حالت

۱. محمد ری شهری، برکات سرزمین وحی، ص ۸۴ و ۸۵.

۲. پا به پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۷۱.

تأثر در گوشه اتاق نشست. بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند و با این تصور که احياناً امام به ایشان تنیدی کرده است، گفتند: آقا! شما چرا دخالت می‌کنید و از این قبیل حرف‌ها... و با اصرار از آیت‌الله طالقانی جریان را سؤال کردند؛ ایشان گفت: هر چه به امام عرض کردم، حرف مرا رد کرد و وقتی دید من قانع نمی‌شوم، فرمود: آقای طالقانی شاید این حکم از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. این را که از امام شنیدم، دست من لرزید و با امام خداحافظی کردم؛ زیرا دیگر قادر نبودم سخنی بگویم^۱. با حضور به موقع مردم در خیابان‌ها و بی‌اعتنایی به حکومت نظامی، توطئه رژیم شکست خورد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

۱. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۱۵۸؛ میرمعمر، ص ۲۷.

داستان‌های ملاقات‌کنندگان

پرسش ۲۰

اگر ممکن است چند نمونه از داستان‌ها و حکایات کسانی که به حضور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف مشرف شده‌اند برایم بنویسید.

■ تشرف آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ قمری) مرجع بزرگ شیعیان جهان دروس ابتدایی طلبگی را در روستای «مدیسه» از توابع لنجان اصفهان نزد یکی از اهل علم آن دیار آغاز نمود.

پس از گذراندن دوره ابتدایی تصمیم گرفت به حوزه اصفهان - که در آن عصر یکی از حوزه‌های مهم شیعه به شمار می‌رفت - مهاجرت نماید. برای این منظور با پدرش سید محمد به مشورت پرداخت. سید محمد لحظاتی چند غرق در اندیشه شد. آن‌گاه سر برداشت و در حالی که اندکی خشمگین به نظر می‌رسید، به فرزندش گفت: «اگر به اصفهان بروی، من عهده‌دار هزینه زندگی تو نمی‌شوم».

سید از گفتار پدر شگفت زده شد و به فکر فرو رفت و به وعده‌های الهی در این که ضامن روزی بندگان است و سخنان ارزنده امامان بزرگوار در فضیلت علم و دانش اندیشید. این افکار به او قوت قلب داد و عزمش را برای رفتن به اصفهان جزم‌تر نمود. لذا سر از دامن تفکر برداشت و با حالتی حاکی از اطمینان نفس به پدر گرفت: «اشکالی ندارد، فقط شما اجازه رفتن به من بدهید، من خود عهده‌دار دیگر امور آن خواهم شد».

گویا اصرار سید ابوالحسن، بر خشم پدر افزود. لذا برای بار دوم گفت: «فرزندم؛ طلبه مشو. گرسنگی دارد، محرومیت به دنبال خواهد داشت، بی‌خانه و کاشانه و آواره خواهی شد. از اینها گذشته با دوری خانواده و خویشاوندانت چه خواهی کرد؟!»

این حرف‌ها در گوش سید ابوالحسن فرو نمی‌رفت و او همچنان برای بار دوم از پدر خواست که به وی اجازه رفتن بدهد...

پس از پافشاری‌های زیادی که سید ابوالحسن از خود نشان داد، پدر با رفتنش موافقت نمود. درست در آن هنگام بود که برق شادی در چشمان سید درخشید. لبخند شادی بر لبانش نقش بست. دست پدر را بوسید و از او صمیمانه تشکر کرد. لحظه جدایی فرا رسید. سید ابوالحسن با دستی خالی بدون این که کوله بار و ره توشه‌ای به همراه داشته باشد، به سوی اصفهان حرکت کرد.

اما در همان ابتدا، لحظاتی چند خاطرش پریشان شد و افکاری وسوسه‌آمیز پی در پی بر او هجوم آورد: با تنهایی، غربت و فقر چه خواهی کرد؟...

ناگهان به یاد امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریم افتاد و اشک در چشمانش حلقه زد و با امیدواری و اطمینان نفس به راه افتاد...

سید ابوالحسن در اوایل نوجوانی و بلوغ در سن ۱۴ سالگی وارد اصفهان شد و در مدرسه صدر حجره‌ای گرفت و به درس و بحث مشغول شد.

شب‌های زمستان وقتی پدرش برای دیدن فرزند خود به حجره او می‌آید، با وضع ناهنجاری مواجه می‌شود. حجره او را خالی از هرگونه وسایل ابتدایی برای زیستن می‌بیند: نه فرش و گلیم و زیراندازی، و نه چراغی برای روشن کردن حجره.

با سخنانی سرزنش‌آمیز به سید ابوالحسن می‌گوید: نگفتم طلبه نشو، گرسنگی دارد! محرومیت و فقر به دنبال دارد؟! او آن قدر در این زمینه سخن می‌گوید که فرزند آزرده‌خاطر می‌شود و در همان لحظه که سخت دگرگون شده بود، به طرف قبله می‌ایستد و امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریم را مورد خطاب قرار می‌دهد و با

چشمانی اشک بار و لحنی ملتمسانه می‌گوید: «آقا عنایتی کنید تا نگویند شما آقا ندارید!»

لحظاتی چند نمی‌گذرد که فردی ناشناس در مدرسه صدر را به صدا در می‌آورد. وقتی خادم مدرسه در را باز می‌کند، فرد ناشناس از او سراغ سید ابوالحسن را می‌گیرد و خادم سید ابوالحسن را به کنار در مدرسه فرا می‌خواند.

سید ابوالحسن با سیدی خوش‌سیما روبه‌رو می‌شود که پس از دلجویی به او پنج‌قران می‌دهد و می‌گوید: «شمعی نیز در طاقچه حجره است، آن را بردار و روشن کن تا نگویند شما آقا ندارید».

شخص ناشناس با این سخن، سید ابوالحسن را تنها می‌گذارد و می‌رود. سید به حجره بر می‌گردد و ماجرا را برای پدر تعریف می‌کند. سید محمد نیز مانند پسر، دچار بهت و حیرت می‌شود و اشک از چشمانش سرازیر می‌گردد و در همان حال فرزند را در آغوش می‌گیرد و بوسه‌هایی چند بر صورت گلگونش می‌زند و با قلبی شاد به مدیسه باز می‌گردد.^۱

■ عنایت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع (نماز اول وقت یادت نرود!)

... صدای اذان از رادیو ماشین به گوش رسید، جوانی که در کنارم نشسته بود بلند شد و به طرف راننده رفت و به او گفت: آقای راننده! می‌خواهم نماز بخوانم.

راننده با بی‌تفاوتی و بی‌خیالی گفت: برو بابا حالا کی نماز می‌خواند! بعدش هم توجهی به این مطلب نکرد، ولی جوان با جدیت گفت: به تو می‌گویم نگهدار! راننده فهمید که او بسیار جدی است، گفت: اینجا که جای نماز خواندن نیست، وسط بیابان، بگذار به یک قهوه‌خانه یا شهری برسیم، بعد نگویم می‌دارم. خلاصه بحث بالا گرفت راننده چاره‌ای جز ننگه داشتن نداشت. بالاخره ماشین را در کنار جاده ننگه داشت، جوان پیاده شد و نمازش را با آرامش و طمأنینه خواند،

۱. توجهات ولی عصر عجل به علما و مراجع، ص ۱۲۱، به نقل از سید ابوالحسن اصفهانی؛ شکوه مرجعیت، محمد اصغری نژاد، صص ۱۹ - ۲۲.

من هم به تأسی از وی نماز خواندم. پس از نماز وقتی در کنار هم نشستیم و ماشین حرکت کرد از او پرسیدم: چه چیز باعث شده که نمازتان را اول وقت خواندید؟

گفت: من به امام زمانم، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تعهد داده‌ام که نماز را اول وقت بخوانم.

تعجب من بیشتر شد، گفتم: چگونه و به خاطر چه چیز تعهد دادید؟
گفت: من قضیه و داستانی دارم که برایتان بازگو می‌کنم، من در یکی از کشورهای اروپایی برای ادامه تحصیلاتم درس می‌خواندم، چند سالی بود که آنجا بودم، محل سکونت در یک بخش کوچک بود و تا شهر که دانشگاه در آن قرار داشت فاصله زیادی بود که اکثر اوقات با ماشین این مسیر را طی می‌کردم. ضمناً در این بخش، یک اتوبوس بیشتر نبود که مسافران را به شهر می‌برد و برمی‌گشت. برای فارغ‌التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را می‌دادم، پس از سال‌ها رنج و سختی و تحمل غربت، خلاصه روز موعود فرا رسید، درس‌هایم را خوب خوانده بودم، آماده بودم برای آخرین امتحان سوار ماشین اتوبوس شدم و پس از چند دقیقه، اتوبوس در حالی که پراز مسافر بود راه افتاد، من هم کتاب جلویم باز بود و می‌خواندم، نیمی از راه آمده بودیم که یکباره اتوبوس خاموش شد، راننده پایین رفت و کاپوت ماشین را بالا زد، مقداری موتور ماشین را نگاه کرد و دستکاری نمود، آمد استارت زد، ماشین روشن نشد، دوباره و چندین بار همین کار را کرد، اما فایده‌ای نداشت، (این وضعیت) طولانی شد و مسافران آمده بودند کنار جاده نشسته و بچه‌هایشان بازی می‌کردند و من هم دلم برای امتحان شور می‌زد و ناراحت بودم، چیزی دیگر به موقع امتحان نمانده بود، وسیله نقلیه دیگری هم از جاده عبور نمی‌کرد که با او بروم، نمی‌دانستم چه کنم، در اضطراب و نگرانی و ناامیدی به سر می‌بردم، تا شهر هم راه زیادی بود که نمی‌شد پیاده بروم، پیوسته قدم می‌زدم و به ماشین و جاده نگاه می‌کردم که همه تلاش‌های چندساله‌ام از بین می‌رود و خیلی نگران بودم.

یکباره جرقه‌ای در مغزم زد که ما وقتی در ایران بودیم در سختی‌ها متوسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شدیم و وقتی کارها به بن بست می‌رسید از او کمک و یاری می‌خواستیم، این بود که دلم شکست و اشکم جاری شد، با خود گفتم: یا بقیة الله! اگر امروز کمکم کنی تا به مقصدم برسم، قول می‌دهم و متعهد می‌شوم که تا آخر عمر نمازم را همیشه سر وقت بخوانم.

پس از چند دقیقه آقایی از آن دورها آمد و رو کرد به راننده و گفت: چه شده؟ (با زبان خود آنها حرف می‌زد). راننده گفت: نمی‌دانم هر کار می‌کنم روشن نمی‌شود. مقداری ماشین را دست‌کاری کرد و کاپوت را بست و گفت: برو استارت بزن!

چند استارت که زد ماشین روشن شد، همه خوشحال شدند و سوار ماشین گشتند و من امیدی در دلم زد و امیدوار شدم، همین که اتوبوس می‌خواست راه بیفتد، دیدم همان آقا بالا آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: «تعهدی که به ما دادی یادت نرود، نماز اول وقت!» و بعد پیاده شد و رفت و من او را ندیدم. فهمیدم که حضرت بقیة الله امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده، همین‌طور اشک می‌ریختم که چقدر من در غفلت بودم. این بود سرگذشت نماز اول وقت من^۱.

■ تشریف سید مهدی بحرالعلوم

محدث نوری می‌نویسد: «حدیث کرد مرا عالم فاضل صالح با ورع در دین میرزا حسین لاهیجی که مجاور روضه مقدسه امام علی علیه السلام و از صالحان با تقوا و مورد وثوق و ثابت قدم نزد علما است این که نقل کرد برای من عالم صفی مولی زین العابدین سلماسی که سید جلیل بحرالعلوم روزی وارد حرم امیرالمؤمنین علیه السلام شد و ناگهان شروع به قرائت این ابیات نمود:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

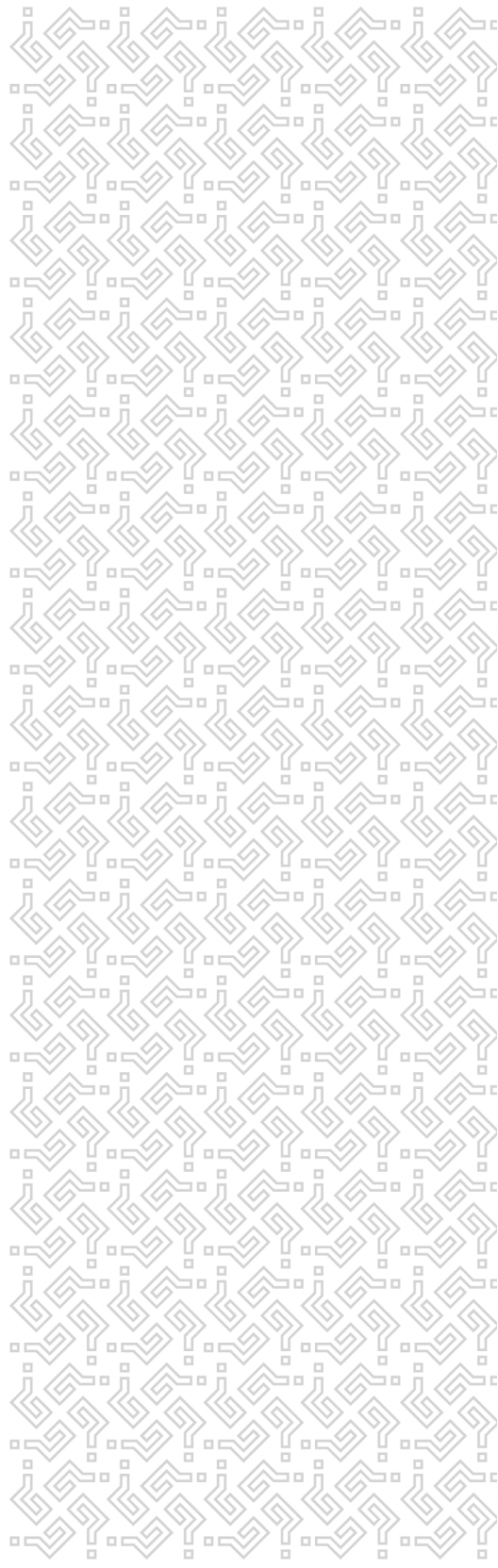
به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

از او سؤال کردند که برای چه این اشعار را خواندی؟ فرمود: چون وارد حرم

۱. نماز و عبادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، عباس عزیزی، ص ۸۵.

مطهر شد حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده کردم که در بالای سر نشسته و با صدای بلند مشغول قرائت قرآن است، چون صدای او را شنیدم این شعر را قرائت کردم...»^۱.

۱. جنة المأوى مطبوع با بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲؛ النجم الثاقب، ص ۷۹.



کتابنامه

۱. قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
۲. صادق احسانبخش، آثار الصادقین، رشت: ستاد نماز جمعه.
۳. سید طیب جزایری، آخرین امید جهان وجود مقدس امام زمان علیه السلام، قم: فاطمه الزهرا.
۴. رحیم کارگر، آینده جهان، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳.
۵. محمد بن حسن الحر العاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۶. محمد بن ابراهیم کلینی، اصول کافی، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ ش.
۷. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۸. محمد بن نعمان مفید، الارشاد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹. سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، اصفهان: مؤسسه صاحب الزمان.
۱۰. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. علامه حسن بن مطهر الحلی، الاستجداد من الارشاد (المجموعه).
۱۲. علی اکبر نهانوندی، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۶.
۱۳. عبدالهادی الایبیری، العرائس الواضحه، قاهره.
۱۴. ابن عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۱۵. ابوعبدالله نعیم بن حماد مروزی، الفتن، خطی، کتابخانه المتحف انگلستان.
۱۶. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، نشر دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. رضی الدین علی ابن طاووس، الملاحم و الفتن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. حسین طبرسی نوری، النجم الثاقب، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۰. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، تهران: آفاق، ۱۳۷۵.
۲۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۲. غلامعلی رجایی، برداشتهایی از سیره امام خمینی، تهران، مؤسسه نشر عروج، ۱۳۸۵.
۲۳. محمد محمدی ری شهری، برکات سرزمین وحی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۵.

۲۴. سیدمصطفی آل سید حیدر کاظمی، بشارۃ الاسلام فی علامات المهدی، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۵. عمادالدین طبری بشارۃ المصطفی لشیعہ المرتضی، قم: انتشارات اسلامی.
۲۶. امیررضا ستوده، پا به پای آفتاب، تهران: پنجره.
۲۷. شهید مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران: صدرا.
۲۸. محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ترجمه: سید حسن افتخارزاده، تهران: نیک معارف، ۱۳۸۴.
۲۹. ابونصر محمدبن مسعودبن عیاش السلمی سمرقندی، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبۃ العلمیه، الاسلامیه.
۳۰. ابی القاسم فرات بن ابراهیم الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۰.
۳۱. محمد هادی معرفت، تنزیه انبیا، قم: نبوغ، ۱۳۷۴.
۳۲. توجہات ولی عصر عجلت اللہ فرجه به علما و مراجع، به نقل از سید ابوالحسن اصفهانی.
۳۳. حسین نوری، جنۃ المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجة، نشر انوار الہدی.
۳۴. نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، قم: بوستان کتاب.
۳۵. سید حسین تقوی، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، بنیاد پژوهش های علمی فرهنگی نورالاصفی.
۳۶. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، چاپ نوزدهم، قم: شفق، ۱۳۷۹.
۳۷. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ج ۱، قم: دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۳۸. علی صافی گلپایگانی، ششمین گفتمان مهدویت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۳۹. مجتبی سادہ، شش ماه پایانی، مترجم: پریوش دانش نیا، نشر موعود عصر، ۱۳۸۵.
۴۰. محمد اصغری نژاد، شکوه مرجعیت، سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۱. علی سعادت پرور، ظهور نور (ترجمه الشمس المضيئه)، ترجمه: محمد جواد وزیری، چاپ دوم، تهران: احیای کتاب، ۱۳۸۰.
۴۲. محمد حکیمی، عصر زندگی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۴۳. محمد بن علی ابن عربی، فتوحات مکیه، تهران: نشر مولی.
۴۴. مرتضی انصاری، فرائد الاصول، تهران: آرموس.
۴۵. محمد تنکابنی، قصص العلماء و رساله سبیل النجاة، قم: ذوی القربی.
۴۶. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی موعود، تهران: چاپ پانزدهم، قم: صدرا ۱۳۷۴.
۴۷. ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۰.

۴۸. ابی الحسن علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه فی معرفة الاثمه، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۴۹. اسدالله اسماعیل کاظمی تستری، کشف القناع، تهران: انتشارات الاسلامیه.
۵۰. علی بن مرتضی سید بن طاووس، کشف المحجّه ثمره الحجه، تهران: دفتر نشر اسلامی.
۵۱. ملا محمد آخوند خراسانی، کفایه الاصول، قم، انتشارات اسلامی.
۵۲. علی بن مرتضی ابن طاووس، کلمات المحققین، تهران: نشر باقر تهرانی.
۵۳. محمد بن علی بن بابویه صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۵۴. علاء الدین علی المتقی الهمدانی، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیائی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵۵. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۶. علی کورانی، معجم احادیث امام مهدی، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۱۱.
۵۷. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه مهدی حائری، چاپ اول، قم: ایران نگین، ۱۳۸۱.
۵۸. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، چاپ دوم، قم: نشر حضرت معصومه، ۱۴۲۱.
۵۹. مجتبی تونه‌ای، موعود نامه، قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۴.
۶۰. محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر، ترجمه: محمود عاجر، نورالاصفیاد، ۱۳۸۱.
۶۱. مسعود پورسید آقایی، میرمهر، نشر حضور، ۱۳۸۴.
۶۲. عباس عزیزی، نماز و عبادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، نشر صدر، ۱۳۸۴.
۶۳. موسی بن حسن الشبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۴. محمد بن حسن حر العاملی، وسائل الشیعہ، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴.
۶۵. واحد تحقیقات مسجد جمکران، وظایف منتظران، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۴.
۶۶. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع الموده، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۵.
۶۷. کامل سلیمان، يوم الخلاص (روزگار رهایی)، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۶۸. رحیم کارگر، مقاله «جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی»، فصلنامه انتظار، ش ۶.
۶۹. چشم به راه مهدی، (مجموعه مقالات)، جمعی از نویسندگان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.